

مجموعه
آثار مبارکه
درباره

تربیت جهانی

تنظیم شده از طرف دائره مطالعه نصوص والواح

بیت العدل اعظم الهی

مرکز جهانی جهانی

اگوست ۱۹۷۶

تدوین مجموعه فارسی ترجمه آثار انگلیسی
به اهتمام : نصرالله مودت

مخصوص جامعه بهائی است

مؤتلفه ملی مطبوعات امری

۱۳۵ بیع

« طفل تازه متولد آن یوم مقامش از اعتقاد اشراف

ناس در این دور بالاتر است و حقیرترین جا بهرین

فرد آن زمان نمرتش از علمای بزرگ این عصر

در درک حقایق شریفتر و ارجمندتر . »

بیانات حضرت باب خطاب بحرفی

(مطالع الانوار)

ترجمه دستخط بیعت العدل علم الهی

۳۱ اگوست ۱۹۲۶

مخاض روحانیه ملیه

دوستان عزیز بهائی

در بین اهداف نقشه پنج ساله که بعضی از مخاض روحانیه ملیه ابلاغ گردیده
مسئله پیشرفت تعلیم و تربیت بهائی در مورد اطفال قید شده است لیکن این موضوع
محل توجه و علاقه کامل یاران در جمیع اقطار و اقطار است و صرفاً به تعاطلی که
در آن نقاط باید طبق نقشه مذکور اهداف مشخصه امی تحصیل گردد اختصاص ندارد .
بر حسب تقاضای این مهیت دایره مطالعه نصوص و الواح در مرکز جهانی امریه
این مجموعه از تعلیم مقدمه راجع به تربیت بهائی را برای اجتهام الهی در کلیه مراکز
امریه تهیه نموده تا مورد مطالعه و وقت قرار دهند و تا حد وودی که اوضاع و
احوالشان نخواست میدهند به بعضی عمل و اجرا گذارند . در قسمت صلیبه این مجموعه

مستخرجات جمیعاً از الواح و یا آثار مصدق و مستند بهائی اقتباس گردیده
 است و لی علاوه بر آن مستخرجاتی از خطابات حضرت عبدالبهار که در مجله
 نجم باختر و یا کتاب « انتشار صلح عمومی » (۱) مندرج گردیده در ذیل مجموعه
 بنحوی ضمیمه نقل شده است . امید است در آئینه تطبیق این خطابات مشخصه با نسخه‌ها
 موثوق از نطقهای مبارک بلسان اصلی امکان پذیر گردد و لی تا این مقصود حاصل
 نشده یاران میتوانند از مستخرجات مذکور برای مراجعه و مطالعه خویش بوضع
 حاضر استفاده نمایند . آن محفل مجاز است مندرجات این مجموعه را کلاً یا جزئاً
 بنحوی که مقتضی دانند در اختیار اجبا که تحت اشراف محفل قرار دارند بگذارند .
 توقیفی از طرف حضرت ولی امرالله در تاریخ هفتم جون ۱۹۳۹ خطاب سبکی از
 افراد اجبا نگاشته شده که مضمون آن بدینقرار است :

« ... تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهار یک روش
 تربیتی مشخص و مشروحی را معرفی نمی نمایند بلکه بنحوی سباطت پاره‌ای
 اصول اساسیه را القاء و مقداری از اهداف و مآرب تربیتی

1) The Promulgation of Universal Peace

را که باید هر سنمای معلمین آئینه تربیت و تعلیم بهائی واقع گردد اعلام
مینمایند تا آنان یک برنامه کامل تعلیمی که تمامه باروح تعالیم الهی
منطبق و هم آهنگ باشد اختیار کنند و بدین طریق احتیاجات و
نیازمندیهایی عصر نوین را مرتفع سازند .

این اصول اساسیه در آثار و نوشتجات مقدس امرائمه مدون و مسطور
است و باید دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد و بتدریج در برنامه های مختلفه
دانشکده ها و دانشگاهها وارد شود اما وظیفه تنظیم یک روش تربیتی
که رسماً از طرف امر الهی شناخته و در سراسر عالم بهائی محبری گردد
امری است که بطور وضوح نسل حاضر یاران نمی توانند در عهده گیرند
بلکه باید بمرور زمان از طرف محققان و مربیان بهائی در مستقبل ایام
صورت تحقق پذیرد . «

یاران باید درصین مطالعه مجموعه توضیح فوق را در نظر گیرند و آنچه را که ممکن است
فی الحقیقه نمونه بسطی از روش و نحوه عمل محسوب و بنحوا حسن پیروی گردد آنرا تعلیم
عمومی تلقی نمایند فی اشل بیانات منقوله از الواح مقدسه حضرت عبدالبهار و توضیحات

مبارک که حضرت ولی امر الله که در سنین اولیه دوره ولایت مرقوم گردیده خطاب
 با تجامی ایران است در چینی که جامعه امر با آنکه مورد تضییق و فشار واقع ^{شده} است
 دارای جمعیت کثیر بوده و در بین اجتماعی زندگانی می نموده اند که مسئله تدریس و
 تعلیم در مراحل ابتدائیه دارد و دایره اش محصور و محدود بوده است اما در زمان
 حاضر در اکثر بلدان موضوع تعلیم اجباری استناد از آموزشگاههای دولتی معمول
 و مجرئی است و احتیاجات عمومی تربیت مادی را مرتفع می سازد بنا بر این منابع
 امر در آن زمینه باید در تربیت روحانی و اخلاقی اطفال بهائی و تهیه مدارس ابتدائی
 و خصوصی در سرزمین هائی که تبلیغ دسته جمعی رائج و بیسوادی هنوز در آن تقاطع
 شایع و نافذ است متمرکز گردد و نیز لازم است مستخرجات مختلفه با توجه و بهمان
 نظر نسبت به لول سایر مواد اصلی بهوم مورد مطالعه و تشریح گیرد.

تعلیم و تربیت اطفال بنحوی صحیح کمال اهمیت را نسبت به ترقی و اعتلاء جامعه
 بشریت دارد و اساس اصلی و حقیقی هر تربیت همانا پرورش روحانی و اخلاقی
 است. هنگام تبلیغ نفوس و هدایت آنان بجهت حقایق امریه و چگونگی حیات بهائی
 قهراً با موانع و مشاغل بسیار از جمله عدم توجه بمبادی روحانی و تعلق شدید

بشنون مادی همچنین او نام و خرافات و مینسان بشیاری از افکار و تخیلات
 نالایقه دست بگیریم در صورتیکه در مورد اطفال جدید الولاذة با ارواح پاک
 که با الودگیهای عالم ملوث نشده است مواجه میباشیم این اطفال چون پابرسند
 و نمونگزارند معرض مشکلات و امتحانات بشمارت سر خواهند گرفت بنابراین
 و طیفه ما آن است که آنان را از لسطات اولیه زندگانی در شنون صورتی معنوی
 هر دو در طریقی که حق تعالی اراده فرموده است تربیت نماییم تا چون بر تبه بلوغ
 رسند مبارزین امر الهی گردند و نمونه های شاخص و برجسته امی از ملکات و
 فضائل اخلاقی و روحانی در بین جامعه انسانی شوند و برای مقابله با هر نوع
 امتحان آزمایش مجتهد گردند فی الحقیقه « نجوم آسمان علم و عرفان » شوند و
 « میاه عذب جاریه که حیات حقیقی مردمان تبامه بدان مربوط و معلق است »
 ترجمه، بیارایند .

دعا و مناجات مادر آستان مقدس است که تألیف جواهر هدایت الهیه
 در مجموعه حاضر محرک یاران و منبع فیض و الهام برای والدین بهائی و همچنین معلمین
 و محافل روحانیه در سراسر عالم گردد و به مسنبت آن ، مواهب و برکات

مضمونیه برای نسلهای آینده تشریح پذیرد .

باحتیاجات مشتاقان ز بهانی
بیت العدل اعظم

سواد : حضرات ایادی امرالله
دارالتبلیغ بین المللی
کلیه مشاوریین

۱- از آثار و الواح حضرت بهاء الله

« انبیاء و مرسلین محض ہدایت خلق بصراط مستقیم حق آیدہ اند و مقصود آنکہ
عبادت تربیت شوند تا در جہن صعود با کمال تقدیس و تزیینہ و انقطاع قصد رفیق
اعلیٰ نمایند . »

« یا قوم انما قد رنا العلوم لعرفان المعلوم . »
(کتاب مشابہ اقدس)

« تجلی شمس اسم رب را در کل ملاحظہ نماید چہ کہ در کل آثار تجلی این اسم مشہود
است و تربیت کل منوط با و و تربیت ہم دو قسم است یک قسم آن محیط بر کل است
و کل را تربیت میفرماید و رزق میدہد چنانچہ خود را رب العالمین فرمودہ و
قسم دیگر مخصوص نفوسی است کہ در ظل این اسم در این ظہور عظم وارد شدہ اند
ولکن نفوس خارجہ از این مقام محروم و از ماندہ احدیہ کہ از سما فضل این اسم
اعظم نازل ممنوعند چہ نسبت است آن نفوس را مع این نفوس . »

« انسان ظلم عظم است و لکن عدم تربیت اورا از آنچه با اوست محروم نمودہ

بیک کلمه خلق فرمود و بکلمه اخری بمقام تعلیم هدایت نمود و بکلمه دیگر مرتاب
و مقاماتش را حفظ فرمود .

حضرت موجود می فرماید : انسان را بمثابة معدن که دارای اجزای گوناگون است
مشاهده نما بر بیت ، جواهر آن بصره شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد . «

« همت را بر تربیت اهل عالم مصروف دارید که شاید نفاق و اختلاف از
بابین اعم با ستم عظم محو شود و کل اهل یک بساط و یک مدینه مشاهده شوند . «

« کل را وصیت میفرمائیم باشی که سبب علو و سمو کلمه الله است بین عباد و
همچنین در اموری که سبب ارتقاء وجود و ارتفاع نفوس است و سبب عظم تربیت
اولاد است باید کل بان تمسک نمایند اما امرنا کم بذلک فی الواجه شتی
و فی کتابی الا قدس طوبی للعالمین از حق میطلبیم کل را تا یسیر فرماید و توسیق
بخشد بر اجزای این امر مبرم که از قلم مالک قدم ظاهر شده و نازل گشته . «

کتاب علی کل اب تربیت ابنه و بنیه بالعلم و الخط و دونهما عما حد فی اللوح
والذی ترک ما امر به فللاصناف ان یاخذوا منه ما یکون لازماً لتربیتها ان
کان غشیاً و الا یرجع الی بیت العدل انا جعلناه ماوی الفقراء و المساکین
ان الذی ربی ابنه او ابنا من الانبا کانه ربی احد ابنا فی علیه بهائی و
عمایتی و رحمتی الی سبقت العالمین .

کتاب مستطاب اقدس

« جمیع رجال و نسا آنچه را که از اقران و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند
جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دویعه گذارند و باطلاع
انسانی بیت عدل صرف تربیت ایشان شود . »

(لوح دنیا)

« در تحصیل کمالات ظاهره و باطنه جهد بطیع نمایند چه که ثمره سدره انسانی کمالات
ظاهریه و باطنیه بوده انسان بی علم و حسن محبوب نه مثل اشجار بی ثمر بوده و
نخواهد بود لذا لازم که بقدر قوه و وسع سدره وجود را با ثمار علم و عرفان و معانی و
بیان مزین نمایند . »

« انسان بمثابة فولادی است که جوهرش مستور است بذکر و بیان و نصیحت و تربیت جوهر آن ظاهر و هوید گردد و اگر بحال خود بماند زنگ و شتهیات نفس و بوی او را معدوم سازد . »

« بسیاری از امور است که اگر اقتنا نشود ضایع و باطل خواهد شد چه بسیار از اطفال که در ارض بی آب و ام مشا به میشوند اگر توجهی در تعلیم و کتاب ایشان نشود بی ثمر خواهند ماند و نفس بی ثمر موش ارجح از حیات او بوده . »

(لوح بیت عدل ،

« آباد باید در دین ابناء و اتقان آن جهد بلیغ نمایند چه برفس زندی از دین الهی خارج شود البتة برضای ابویں و حق جل جلاله عمل نماید جمیع اعمال حسنة بنور ایمان ظاهر و مشهود و در فندان این عطیة کبری از پیچ منکری اجتناب نکنند و بهیچ معروفی اقبال نمایند . »

« آنچه سبب اول است از برای تربیت خلق خشیة الله بوده طوبی للغانزین . »

(لوح ابن وثب ،

« آنچه از برای اطفال در مقام اول و رتبه اولیه واجب و لازم است تعلیم
 کلمه توحید و شرایع الهیه است چه که من دون آن خستیه الله حاصل نمیشود و
 هفتاد آن صد هزار اعمال مکر و بیه غیر معروفه و اقوال غیر طیبه ظاهر میگردد...
 آباء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند چه اگر اولاد باین طرز اول
 فائز نگردد از اطاعت ابوبین که در مقامی اطاعت الله است غافل گردد دیگر
 چنین اولاد مبالغات نداشته و ندارد یفضل با هوایه مایشاء... »

« در تعلیم باید در ابتدا، اولاد را بشرائطین تعلیم دین و بند تا وعد و وعید مذکور
 در کتب الهی ایشان را از مناهجی منع نماید و بطراز او امر فرین دارد و لکن
 بقدری که به تعصب و حمیه جالبیه منجر و منتفی نگردد... »

(کلمات فردوسی - ورق هشتم از فردوس اصلی)

« سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است علم بمنزله جناح است
 از برای وجود و مراقبه است از برای صعود و تحصیلش بر کل لازم و لکن علومی که
 اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که از حرف ابتدا شود و بحرف منتفی گردد... »

فی الحقیقه کثر تحقیق از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعت
و فرح و نشاط و بهجت و انبساط طوبی لمن تمسک به و ویل للغافلین .»

(لوح ابن ذنب)

« علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن
منتفع گردند علمی که از لفظ ابتدا و بلفظ منتفی گردد مفید نبوده و نخواهد بود ،
اکثری از حکمای ایران عصر با بدس حکمت مشغولند و عاقبت حال آن خیر العافی
نبوده و نیست .»

(لوح مقصود)

« باید اطفال کمال جهد را در تحصیل علم و خط مبذول دارند ... خط بعدری که
رفع ضرورت نماید از برای بعضی کافی است اگر وقت را در علوم نافع صرف
نمایند اولی و انسب و لکن چون حق جل جلاله بر صنعتی احمل آنها دوست داشته
لذا از قلم اعلی جاری شد آنچه شد .»

« در خزان علوم الهی علمی موجود که عمل بان خوف را زایل مینماید و لکن علی قدر

مقدور و آن ترتیبی است که باید از آیام طفولیت بان عمل شود بسیار فرق

نیاید . «

(لوح ابن ذنب)

« راجع به علم » مذکور در بیان فوق از حضرت ولی امر الله سنوا کشته

نشی مبارک پانچ ذیل را از طرف سیکل اطهر مرقوم داشته است :

« متأسفانه بنظر میرسد علمی که می تواند خوف را بمیزان زیاد زایل

نماید از جانب حضرت بهاء الله مکشوف نشده و معرفی نگردیده است

بنابر این ما از کیفیت آن بی اطلاعییم . « (ترجمه)

د از تویق مورخ پنجم جنوری ۱۹۴۸ که از طرف حضرت ولی امر الله به چارلز س.

کروک مرقوم در اخبار امری شماره ۲۱۰ مورخ اگوست ۱۹۴۸ صفحه ۳ بوج گردیده «

« باید ... وکلای دولت مجلسی بیاریند و در آن مجلس یک لسان از اسن

مختلفه و همچنین یک خط از خطوط موجوده را اختیار نمایند و یا خط و لسانی بدیع تر

دهند و در مدارس عالم اطفال را بان تعلیم فرمایند در این صورت دارای دو

میشوند یکی لسان وطن و دیگری لسانی که عموم اهل عالم بان تکلم نمایند، اگر

به آنچه ذکر شد تمسک جویند جمیع ارض قطعاً واحده مشاهده شود و از تعلیم
و تعلم السن مختلفه فارغ و آزاد شوند .»
(لوح ابن ذنب)

« علموا اولادکم ما نزل من عند الله ليقروا باحسن الاکان هذا ما نزل
فی کتاب عظیم .»

« علموا ذریاتکم ما نزل من سماء العظمة والاقطار ليقروا الواح الرحمن باحسن
الاکان فی الغرف المبنیة فی مشارق الازکار .»
کتاب مستطاب اقدس ،

« حضرت موجود میفرماید : حکیم دانا و عالم بینا دو بصرند از برای سبک عالم
انشاء الله ارض از این دو عطیة کبری محسوس نماند و ممنوع نشود ...
باید اول هر امری آخر آن ملاحظه شود و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت
و ترقی و ارتفاع مقام انسان است اطفال به آن مشغول گردند تا راکه فساد از عالم
قطع شود و کل بهمت اولیای دولت و ملت در عهد امن و امان مسترح مشاهده شوند .»

« اما الاطفال امر نمودیم در ابتدا با آداب و احکام دین تربیت نمایند و بعد
بالعلوم النافعة و التجارة المزیة بطراز الامانة و الاعمال المتی تكون دليلاً لمنصرة
امره او یجذب به امراً یقرب العبد الى مولیه نسأل الله ان یؤید اطفال اولیائنا
و یرزقهم بطراز العقل و الآداب و الامانة و الدیانة انه هو الغفور الرحیم . »

« یا حسین یا معتمد قد قبل الیک وجه القدم من شطر سحبه الاعظم و تعلیمک
بما یقربک الى الله مولی الانام طوبی لمعلم قام علی تعلیم الاطفال و هدی
الناس الى صراط الله العزیز الوهاب . »

« طوبی از برای معلمی که بعد الهی و فاعلم و بتربیت اطفال مشغول گشت .
آنچه در کتاب اقدس نازل در باره او از قلم علی ثبت شد طوبی له طوبی له . »

۲- از آثار و الواح حضرت عبدالبهاء

اللهم يا من تجلي على الخائق برهانه النور، تجلي العلم والهدى وميزها عن سائر
الكائنات بهذه الموهبة العظمى وجعلها محيطة على كل الاشياء، تدرك
حقائق الموجودات وتخرج الاسرار المكنونة من خيز الغيب الى عالم الازهار
ونخص برحمته من يشاء رب ايد اجناك على تحصيل العلوم والفنون اشقي
والاطلاع على الاسرار المخزونة في حقيقة الكائنات واطلعم على الرموز المنبئة
المندرجة في هوية الموجودات واجعلهم آيات الهدى بين الوري وانوار تنهي
المتسللة في بده النشأة الاولى واجعلهم ادلاء عليك هداة الى سبيلك سعة
الى ملكوتك . انك انت المقدر المهيمن العزيز القوي الكريم العظيم .

ايها الحزب الالهي قدرت قديمه بريك اركاننا وانواع موجوداتنا
را بمرتبي ومنقبتى وكما لي مخص فرمود تادرتبه خود آيات داله بر علو وهمو بر تي
حقيقي كردند و بريك بمنزله مرا تي صافيه از فيض تجلي شمس حقيقت حكمايت
نمايند انسان را از بين كائنات بموهبت كبري مخص فرمود و بفيض ملا اعلى
فانز كرد و آن موهبت كبري هدايت عظمي است كه حقيقت انسانيه مشكاة اين
مصباح گردد و اشعه ساطعه اين سراج چون بر زجاج قلب زند از لطافت

قلب سطوح انوار اشتداد یابد و بر عقول و نفوس تجلی نماید و هدایت
کبری مشروط و منوط بعلم و دانائی و اطلاع بر اسرار کلمات ربانی است
لهذا باید یاران الهی صغیراً و کبیراً رجالاً و نساءً بقدر امکان تحصیل علوم و
معارف و تزیید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براین
الهی نمایند .

حضرت صدر الصدور الفایز بالمقام الاعلی فی عالم التور و روح المقرین
له الفداء تائیس محفل تعلیم نمودند و ایشان اول شخص مبارکی هستند که اساس
این امر عظیم نهادند . الحمد لله در ایام خویش نفوسی را تربیت نمودند که ایام
در نهایت فصاحت و بلاغت مقدر بر اقامه اوله و براین الهی هستند و فی الحقیقه
این تلامذه سلاله طایفه روحانیه آن مقرب درگاه کبریا هستند و بعد از صعود
ایشان بعضی از نفوس مبارکه اقدام در اتمام تعلیم و تعلم فرمودند و این مسجون
از این خبر بنهایت مسرور شد حال نیز در نهایت تاکید رجا از اجبای الهی
پنیمیم که بقدر امکان بکوشند و در توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر کوشند
خوشتر و شیرین تر گردد حتی اجبای الهی چه صغیر و چه کبیر چه ذکور و چه اناث

قلب سطوح انوار اشتداد یابد و بر عقول و نفوس تجلی نماید و هدایت
کبری مشروط و منوط بعلم و دانائی و اطلاع بر اسرار کلمات ربانی است
لهذا باید یاران الهی صغیراً و کبیراً رجالاً و نساءً بقدر امکان تحصیل علوم و
معارف و تزیید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براین
الهی نمایند .

حضرت صدر الصدور الفایز بالمقام الاعلی فی عالم السور و روح المقرین
له الفداء تائیس محفل تعلیم نمودند و ایشان اول شخص مبارکی هستند که اساس
این امر عظیم نهادند . الحمد لله در ایام خویش نفوسی را تربیت نمودند که ایام
در نهایت فصاحت و بلاغت مقدر بر اقامه اوله و بر این الهی هستند و فی الحقیقه
این تلامذه سلاله طایفه روحانیه آن مقرب درگاه کبریا هستند و بعد از صعود
ایشان بعضی از نفوس مبارکه اقدام در اتمام تعلیم و تعلم فرمودند و این مسجون
از این خبر بنیهایت مسرور شد حال نیز در نهایت تاکید رجا از اجبای الهی
پنیمیم که بقدر امکان بکوشند و در توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر کوشند
خوشتر و شیرین تر گردد حتی اجبای الهی چه صغیر و چه کبیر چه ذکور و چه اناث

هر یک بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف چه روحانی
 چه امکانی بکوشند و در اوقات اجتماع مذاکره کمال در مسائل علمیه و اطلاع
 بر علوم و معارف عصریه باشد اگر چنین کردد بنور مبین آفاق روشن شود
 و صفحه غبر اکاشن ملکوت ابهری گردد و علیکم البها، الابنی . غ . ع .
 (مکاتیب عبدالبها، جلد اول)

« اسی دوست حقیقی در دستان الهی درس و سبق رحمانی خوان و از ادیب
 عشق تعلم حقایق و معانی نما اسرار ملکوت جو و از فیوضات لاهوت دم زن
 هر چند تحصیل فنون و علوم اعظم منقبت عالم انسانی است ولی بشرط آنکه این
 نهر متصل سحر اعظم شود و از فیض تدم استفاضه کند چون چنین شود هر استماد
 بحر بی پایان گردد و تلمیذین نوع علم و عرفان شود پس اگر علوم دلیل بر حال
 معلوم شود فغم المأمول و الا شاید این قطره سبب گردد و از فیض موفور محروم
 شود ویرا کبر و غرور آرد و تصور و قورنجه علوم حاضره فطره حقیقت است
 پس اگر حقیقت نسیر نکرده از مجاز چه ثمر و اثر تا نده الحق ان لم یکن العلوم سبباً
 للوصول الی المعلوم ففی خسران مبین حلیک تحصیل العلم و التوجه الی الجمال

المعلوم حتى تكمن آية الهدى بين الوري ومركز النقي في بذه الدائرة التي تها
فيها عقول ذوي الكبحي الامن فاز بالاسرار ودخل في ملكوت الانوار واطلع
بالسر المصون والرمز المكنون . .

« انسان در نهايت رتبه جسمانيات است و بدايت روحانيات يعني نهايت
نقص است و بدايت كمال در نهايت رتبه ظلمت است و در بدايت نورانيت
اين است كه گفته اند كه مقام انسان نهايت شب است و بدايت روز يعني جامع
مراتب نقص است و حائز مراتب كمال جنبه حيوانيت دارد و جنبه ملكيت و
مقصود از مرتبي اين است كه نفوس بشرية را تربيت بكنند تا جنبه ملكيت بر جنبه
حيوانيت غالب شود . . »

(مفاوضات)

« انسان آيت كبراي الهى است يعنى كتاب تكوين است زيرا جميع اسرار كائنات
در انسان موجود است پس اگر در ظل تربيت مرتبي حقيقي بنفستد و تربيت شود حقا
بجوهر گردد، نور الانوار شود، روح الارواح گردد، مركز سنو حات رحمانيه شود

مصدر صفات روحانیه گردد، مشرق انوار ملکوتی شود، محیط الهامات ربانی
 گردد و اگر چنانچه محروم بماند منظر صفات شیطانی گردد، جامع رذائل حیوانی
 شود، مصدر شنون ظلمانی گردد این است حکمت بعثت انبیا، بجهت تربیت بشر
 تا این ذغال سنگ دانه الماس شود و این شجر بی ثمر پیوند گردد و میوه
 در نهایت صلاوت و لطافت بخشد و چون با شرف مقامات عالم انسانی
 رسد آنوقت دیگر ترقی در مراتب کمالات دارد نه در رتبه زیرا مراتب
 منتهی شود لکن کمالات الهیه غیر تناسلی است .

(مفاوضات)

« و چون نظر دقیق نمایند مشهود و معلوم گردد که علت عظمای جور و فتنه و
 عدم عدل و حقانیت و انتظام امور از قلت تدبیر حقیقی و عدم معارف جمهور
 است مثلاً اگر االی متدبیر، و در قرأت و کتابت ماہر و متفطن باشند اگر
 مشکلی رخ نماید اولاً بحکومت محلیه سکایت نمایند اگر امری مغایر عدل
 و انصاف بیند و روش و حرکت حکومت را منافی رضای باری و منغایه
 معذلت شریاری مشاهده کنند داوری خود را بمجالس عالیہ رسانند و بگرا

حکومت محلیه را از مسلک مستقیم شرع مبین بیان کنند و بعد مجالس عالیه
صورت استنطاق را از محل معلوم بطلبند البته آن شخص مشمول الطاف عدل
و داد گردد و لکن حال اکثر اهل ایالتی از قلت معارف زبان و بیانی که تفهیم
مقاصد خویش نمایند ندارند .»

در رساله مدنیه

« الرزم امور و اقدام تشبثات لازمه توسیع دائره معارف است و از بیخ
ملتی نجاح و فلاح بدون ترقی این امر اهم اقوم متصور نه چنانچه باعث عظم
تنزل و ترزل ملل جهل و نادانی است و الان اکثر اهل ایالتی از امور عادیه اطلاع
ندارند تا چه رسد بوقوف حقایق امور کلیه و دقائق لوازم عصریه .»

در رساله مدنیه

« دقت نمائید که چگونه معارف و تمدن سبب عزت و سعادت و حریت
و آزادی حکومت و ملت میشود .»

« لکن تربیت بر سه قسم است : تربیت جسمانی ، تربیت انسانی و تربیت روحانی

اما تربیت جسمانی بجهت نشوونمای این جسم است و آن تسهیل معیشت و
تحصیل اسباب راحت و رفاهیت است که حیوان با انسان در آن مشترکند
و اما تربیت انسانی عبارت از مدنیت است و ترقی یعنی سیاست و نظام
و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات
که مدار امتیاز انسان از حیوان است. و اما تربیت الهیه تربیت ملکوتی است و آن
اکتسابات کمالات الهیه است و تربیت حقیقی آنست زیرا در این مقام نهان
مرکز سوحات رحمانیه گردد و منظر « نعلین انسانا علی صورتنا و مثالن » شود
و آن نتیجه عالم انسانی است حال مایک مربی میخواهیم که هم مربی جسمانی
و هم مربی انسانی و هم مربی روحانی گردد که حکم او در جمیع مراتب نافذ باشد
و اگر کسی بگوید که من در کمال عقل و ادراک و محتاج به آن مربی نیستم او منکر
بدیهیات است مثل طفل که بگوید من محتاج تربیت نیستم بعقل و فکر خود حرکت
نمایم و کمالات وجود را تحصیل میکنم و مثل آنست که کوری گوید که من محتاج بچشم
نیستم چونکه بسیار کوران هستند که گذران میکنند پس واضح و مشهود است که انسان
محتاج به مربی است این مربی بی شک و شبهه باید در جمیع مراتب کامل و ممتاز

از جمیع بشر باشد چه که اگر مثل سایر بشر باشد مرتبی نمیشود علی الخصوص که باید
هم مرتبی جسمانی باشد و هم مرتبی انسانی و هم مرتبی روحانی یعنی نظم و تمثیت امور
جسمانی دهد و مبیات اجتماعی تشکیل کند تا تعاضد و معاون در معیشت حاصل
گردد و امور جسمانی در جمیع شؤون منظم و مرتب شود و همچنین تائیس تربیت انسان
کند یعنی باید عقول و افکار را چنان تربیت نماید که قابل ترقیات کلیه گردد و
توسیع علوم و معارف شود و حقایق اشیاء و اسرار کائنات و خاصیات موجودات
کشف گردد و روز بروز تعلیمات و اکتشافات و مشروعات از دیار یابد و از
محسوسات استدلال و اتعال بمغضولات شود و همچنین تربیت روحانی نماید تا عقول
و ادراک پی بعالم ماوراء الطبیعه برود و استفاضه از نجات مقدسه روح القدس نماید
و بکمال اعلی ارتباط یابد و حقایق انسانیه منظر سوحات رحمانیه گردد تا اینکه جمیع
اسماء و صفات الهی در مرات حقیقت انسان جلوه کند و آیه مبارکه لَنَعْلَمَنَّ
انساناً علی صورنا و مثالنا تحقق یابد .

(مفاد صفات)

« بعضی نفوس خپان گمان کنند که ناموس طبیعی انسان مانع از تکالیف اعمال قبیحه

و ضابطه کالات مصنوعیه و صوریه است یعنی شخصی که متصف بخرد طبیعی و غیرت
 فطریه و حمیت ذاتیه است بدون ملاحظه عقوبات شدیدة مرتبه بر اعمال شریه
 و مشوبات عظیمه افعال خیریه بر بی از اضرار عباد و حریم بر اعمال خیریه است
 اولاً آنکه در تواریخ عمومیه وقت نمانیم واضح و مبرهن شود که ناموس طبیعی از فیوض
 تعالیم انبیای الهی است و همچنین ملاحظه مینمایم که از اطفال در صغر سن آثار تعدی
 و تجاوز ظاهر و اگر از تربیت مرتبی محروم ماند آناً فاناً شیم غیر مرضیه اش تزیید
 یابد پس معلوم شد که ظهور ناموس طبیعی نسیه از نتایج تعلیم است و ثانیاً آنکه بر فرض
 تصور اینکه خرد طبیعی و ناموس نظری مانع شر و مدل بر شیر است این معلوم
 و واضح است که همچو نفوس چون اکیر اعظم است چه که این ادعا بقول تمام
 نشود بلکه عمل لازم حال چه امری در وجود جمهور را بر نیات حسنه و اعمال صا
 لمجا و مضطر مینماید و از این گذشته آن شخصی که مصدر ناموس طبیعی است اگر
 منظر خسته انده گردد البته در نوایای خیریه اش ثابت تر و راسخ تر گردد .

(رساله مدنیه)

« اما تفاوت بین نفوس پستی و بلندی و برتری و بهتری طبیعیون دو قسمند :

قسمی برآند که این بهتری و برتری و تفاوت بین بشر در اصل خلقت است
با اصطلاح آنها از مقتضای عالم طبیعت است و گویند که تفاوت بین نوع واضح
است که طبیعی است مثلاً نوع اشجار تفاوت و امتیازشان طبیعی است و حیوان
نیز تفاوت طبیعی دارد حتی در جاد نیز تفاوت طبیعی است یکی معدن سنگ
است و دیگری معدن لعل بر آب و رنگ یکی صدف است و دیگری خز
و قسم دیگر از فلاسفه قدما برآند که تفاوت بین بشر و امتیاز عقول و هنر از تربیت
است زیرا شاخ کج تربیت راست گردد و درخت بی ثمر بیابانی بستانی شود
و پیوند گردد و بارور شود و شاید تلخ است شیرین شود میوه اش صغیر است کبیر
گردد و لذت و حلاوت یابد و برهان اعظمشان این است که زنگیان افریک
قابطه وحشی و نادانند و متمدنان امریک قابطه دانا و هوشمند و این واضح است
که تفاوت این دو فرقه بینی بر تجربه و تربیت است این قول فلاسفه و حکما است .
ولی انبیا برآند که در اصل فطرت تفاوت مسلم و مبرهن و فضلنا بعضکم علی بعض
تصنیه ای محتوم و معلوم البته نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند اگر اطفال معدود
از یک پدر و یک مادر در یکت واحد و بتعلیم واحد و تربیت واحد و بنحوا و

طعام واحد پرورش یابند بعضی نهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسط باشند
 و بعضی بهیچوجه تعلیم نگیرند پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب
 و خلقت است و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تأثیر عظیم مسلم و مقرر دانند مثلاً
 اگر طفل از دستمان محروم ماند البته جاہل و نادان ماند و معلوماً مشغول
 در اکتشافات خویش باشد و چون نزد ادیب و انا تحصیل علوم و معارف نماید
 بر اکتشافات هزاران نفوس از بشر اطلع یابد پس تعلیم اہل خدالت را
 سبب ہدایت شود و کوران را علت بیانی گردد و بجزردان را دانا کند بی جاہلان
 را سبب بزرگواری شود انسان اکبر را ناطق کند و فخر کاذب را صبح
 صادق نماید دانه صنغیر را نخل باسق نماید و عبد ابق را ملوک فائق فریاد
 لهذا البته تربیت تأثیر دارد و نظر باین حکمت است کہ مظاہر غیب احدیت
 و مطالع رحمانیت در عالم بشریہ مبعوث گردند تا نوع انسان را بنفحات قدس
 تربیت نمایند و طفل رضیع را رجل رشید کنند پس محرومان ناموست محرمان
 لامہوت گردند و بی نصیبان بہرہ و نصیب یابند .

سؤال - اخلاق در بین نوع انسان چند قسم است و اختلاف و تفاوت
از چه جهت است؟

جواب - اخلاق فطری و اخلاق ارثی و اخلاق اکتسابی که تربیت حاصل کرده
اما اخلاق فطری هر چند فطرت الهیه خیر محض است و لکن اختلاف اخلاق فطری
در انسان تفاوت درجات است همه خیر است اما سبب درجات خوب و
خوشر است چنانکه جمیع نوع انسان ادراک و استعداد دارد اما ادراک و استعداد
و قابلیت در میان نوع انسان متفاوت است و این واضح است مثلاً چند طفل از
یک خاندهان در یک محل در یک مکتب از یک معلم تحصیل نمایند و بیک غذا
و یک هوا و یک لباس تربیت شوند و یک درس بخوانند لابد در میان این اطفال
بعضی ما بر در فنون میشوند و بعضی متوسط و بعضی پست پس معلوم شد که در اصل
فطرت تفاوت درجات موجود و تفاوت قابلیت و استعداد مشهود ولی
این تفاوت نه از روی خیر و شر است مجرد تفاوت درجات است یکی در درجه
اعلی است و یکی در درجه وسطی و یکی در درجه ادنی مثلاً انسان وجود دارد گیاه
وجود دارد حمار وجود دارد اما وجود در این موجودات اربعه متفاوت است

وجود انسانی کجا و وجود حیوانی ولی کل موجودند و این واضح است که در وجود تفاوت درجات است .

و اما تفاوت اخلاق ارثی این از قوت و ضعف مزاج یعنی ابوی چون ضعیف المزاج باشند اطفال چنان گردند و اگر قوی باشند اطفال جسور شوند و همچنین طهارت خون حکم کلی دارد زیرا لطف طبیعتی مانند جنس اعلی است که در نبات و حیوان نیز موجود باشد ملاحظه مینماید اطفالی که از پدر و مادر ضعیف و معلول تولد یابند بالطبع بضعف بنیه و ضعف عصب مبتلی و بی صبر و بی تحمل و بی ثبات و بی همت و عجز هستند زیرا ضعف و سستی ابوی در اطفال میراث گشته .

و از این گذشته بعضی از خاندان و دودمانها بموهبتی مخصوص گردند مثلاً سلاله ابراهیمی بموهبتی مخصوص بوده که جمیع نسبیای بنی اسرائیل از سلاله ابراهیمی بودند این موهبت را خدا بآن سلاله عنایت فرمود حضرت موسی از طرف پدر و مادر و حضرت میسج از طرف مادر و حضرت محمد و حضرت علی و جمیع نسبیای بنی اسرائیل و مطاهر مقدسه از آن سلاله اند اجمال مبارک نیز از سلاله ابراهیمی هستند چون حضرت ابراهیم غیر از اسمعیل و اسحق پسرهای دیگر داشت که در آن زمان بصفحات ایران واقفان

هجرت نمودند و جمال مبارک نیز از آن سلاله اند) پس معلوم شد اخلاق
میراثی نیستند موجود حتی اگر اخلاق مطابق نیاید و لوجسماً از آن سلاله است
ولی روحاً از آن سلاله شمرده نشود مثل اینکه کنگان (۱) از سلاله نوحی شمرده
نمیشود.

و اما تفاوت اخلاق من حیث التربیه این بسیار عظیم است زیرا تربیت
بسیار حکم دارد نادان از تربیت دانا شود جبان از تربیت شجاع گردد شاخه
کج از تربیت راست شود میوه های کوهی تنگی تلخ و گز از تربیت لذیذ شیرین
گردد گل پنج پر از تربیت صدر پر شود امت متوحشه از تربیت متمدن گردد
حتی حیوان از تربیت حرکت و روش انسان یابد این تربیت را باید بسیار
مهم شمرد زیرا امراض بچنانکه در عالم اجسام بیکدیگر سرایت شایده دارد
بهمنین اخلاق در ارواح و قلوب نهایت سرایت دارد این تفاوت تربیت
بسیار عظیم است و حکم کلی دارد.

شاید نفسی بگوید که مادام که استعداد و قابلیت نفوس متفاوت است

(۱) سفر پیدایش : باب نهم . آیه ۲۵

و بسبب تفاوت استعداد لابد تفاوت اخلاق است (۱)، آما نچنان است
 زیرا استعداد بر دو قسم است استعداد فطری و استعداد اکتسابی استعداد
 فطری که خلق است کل خیر محض است در فطرت تشریفات آما استعداد اکتسابی
 سبب گردد که شر حاصل شود مثلاً خدا جمیع بشر را چنین خلق کرده چنین قابلیت
 و استعداد داده که از شهوه و شکر مستفید شوند و از ستم متضرر و هلاک گردند این
 قابلیت و استعداد فطری است که خدا جمیع نوع انسان یکسان داده است
 آما انسان بنا میکند کم کم استعمال ستم نمودن به روزی مقداری از ستم میخورد
 اندک اندک زیاد میکند تا بجائی میرسد که هر روز اگر یک درهم افیون
 نخورد هلاک میشود و استعداد فطری بکلی منقلب میگردد ملاحظه کنید که
 استعداد و قابلیت فطری از تفاوت عادت و تربیت چگونه تغیر می یابد
 که بالعکس میشود اعتراض بر اشیاء از جهت استعداد و قابلیت فطری نیست
 بلکه اعتراض از جهت استعداد و قابلیت اکتسابی است در فطرت شری
 نیست کل خیر است حتی صفات و خلقی که مذموم و ملازم ذاتی بعضی از

(۱) یعنی بر بنقرار نفوس منوال اخلاق خویش نیستند.

نوع انسانی است ولی فی الحقیقه مذموم نه مثلاً در بدایت حیات ملاحظه
 میشود که طفل در شیر خوردن از پستان آمار حرص از او واضح و آثار غضب و
 قهر از او مشهود پس حسن و قبح در حقیقت انسان خلقی است و این منافی خیرت
 محض در خلقت و فطرت است جواب اینست که حرص که طلب از یاد است
 صفت ممدوح است اما اگر در موقعش صرف شود مثلاً اگر انسان حرص در
 تحصیل علوم و معارف داشته باشد و یا آنکه حرص در رحم و مروت و عدالت
 داشته باشد بسیار ممدوح است و اگر بر ظالمان خوشخوار که مانند سباع درنده
 هستند قهر و غضب نماید بسیار ممدوح است ولی اگر این صفات را در غیر مواضع
 صرف نماید مذموم است .

(مفاوضات)

« اما تفاوت بین مذمت طبیعی که ایوم منتشر است و بین مذمت الهیه
 که از نیاج بیت العدل خواهد بود فرق اینست که مذمت طبیعی بقوه قوین خیریه
 و قصاص رادع و مانع خلق از ارتکاب قبائح اعمال گردد و با وجود این نیست
 که ملاحظه مینمائی که قوانین مجازات و احکام زجریه متصل در انتشار است و ابدافانو

مکاناتی در میان نه و در جمیع شهرهای اروپا و امریکای انبیه و اسعه جنبانه
 بجهت زجر ارباب جرائم تائیس و نباشد است اما مدیت الهیه نفوس بشر را چنان
 تربیت نماید که نفسی ارتکاب جرائم ننماید الا افراد نادرو که آن ابد حکم ندارد پس
 فرق است در اینکه نفوس را از قبایح و جرائم بواسطه زجر و قصاص و شدت انتقام
 منع نمایم و یا آنکه چنان تربیت کنی و نورانیت بخشی و روحانیت بدی که نفوس
 بدون خوف از زجر و انتقام و قصاص از جرائم اجتناب نمایند بلکه نفس جرائم
 را نفقت کبرمی و جزا عظیم شمزند و منجذب فضائل عالم انسانی شوند و در آنچه
 سبب نورانیت بشر است و ترویج صفاتی که مقبول در گاه کبریاست جانفشانی
 کنند پس ملاحظه نما که در بین مدنیت طبیعی و مدنیت الهیه چه قدر فرق و امتیاز است
 مدنیت طبیعی بزجر و قصاص بشر را مانع از اذیت و ضرر گردد و از ارتکاب جرائم
 باز دارد ولی مدنیت الهیه چنان تربیت نماید که نفوس شسته بدون خوف از
 از جزا اجتناب از اجرام کنند و نفس جرم نزد آنان عظم عقوبت گردد و بنهایت
 جذب و وله با کتاب فضائل انسانی و ما به الترقی بشری و آنچه سبب نورانیت
 عالم انسانی است پردازند .

« از جمله محافظه دین الله تربیت اطفال است که از اعظم اساس تعالیم الهیه است پس باید افهامات اطفال شیرخوار را در مهده اخلاق تربیت نماید زیرا اول مرتبی افهامند تا چون طفل بالغ گردد بجمع خصائل حمیده و فضائل پسندیده متصف و متخلق شود و همچنین بموجب او امر الهیه بر طفل باید قرانت و کتابت و اکتساب فنون لازمه مفیده نماید و همچنین تعلیم صنعتی از صنایع این امور را نهایت اهتمام باید قصور و فتور در این خصوص جائز نه .

ملاحظه بفرمایند که چقدر زندان و سجون و محل عذاب و عقاب از برای نوع بشر حاضر و مهیا است تا باین وسائط زجریه نفوس را از ارتکاب جرائم عظیمه منع نمایند و حال آنکه این زجر و عذاب سبب ازدیاد سوء اخلاق میگردد و مطلوب چنانچه باید و شاید حاصل نشود پس باید نفوس را از صخر سن چنان تربیت نمود که اکتساب جرائم ننمایند بلکه جمیع همشان به اکتساب فضائل باشد و نفس جرم و قصور را اعظم عقوبت شمرند و نفس خطا و عصیان را اعظم از جرم و زندان دانند چه که میتوان انسان را چنان تربیت نمود که جرم و قصور اگر بکلی منقود و معدوم نگردد ولی نادر الوقوع شود .

باری مقصود این است که تربیت از اعظم او امر حضرت احدیت است
 و تأثیرش تا شیر آفتاب در شجر و ثمر اطفال را بسیار باید مواظبت و محافطت
 و تربیت نمود این است حقیقت و شفقت پدر و مادر و الّا علف خود رو گردند
 و شجره زقوم شوند خیر و شر ندانند و فضائل را از ردائل تمیز نتوانند مرّیابی
 غرور گردند و منفور رب غیور لهند جمیع اطفال نورسیدگان باغ محبت الهی
 را کمال مواظبت و تربیت لازم . . .

« اس اساس تنیات نادانی و جهالت است لهند باید با سباب بصیرت
 و دانائی تثبیت نمود و تعلیم اخلاق کرد و روشنی با فاق داد تا در دبستان انسانی
 تخلق با خلاق روحانی نمایند و یقین کنند که هیچ جمیم و سعیری بدتر از خلق و خوی
 سقیم نه و هیچ جهنم و عذابی کثیف تر از صفات موجب عتاب نیست تا تربیت
 بدرجه ای رسد که قطع حلقوم گوارا تر از کذب مشنوم شود و زخم سیف و سنان
 آسانتر از غضب و بهتان گردد آتش غیرت برافروزد و خرمن هوی و هوس بسوزد
 بر یک از یاران الهی رخس با خلاق رحمانی چون مه تابان بدرخشد و نسبتشان

باستان الهی حسیقی کرد و نه مجاز اساس بنیان شود نه طرز ایوان .
 لهذا باید مکتب اطفال نهایت انتظام باشد تعلیم و تعلم محکم گردد و تهذیب
 و تعدیل اخلاق منظم شود تا در صغر سن در حقیقت اطفال تائیس الهی شود و بنیان
 رحمانی بنیاد گردد این مسئله تعلیم و تهذیب و تعدیل و تشویق و تحریص را بسیار
 مهم شمرد که از اس اساس الهی است که بلکه اشارتند از دستاویزهای الهی
 اطفال نورانی با شرف کمالات انسانی مبعوث گردند و سبب نورانیت این
 بلکه عموم امکان شوند . تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود تجربه
 شده است که نهایت سعی و کوشش را مینمایند تا خلقی از اخلاق نفسی را تبدیل کنند
 نمیشود اگر ایوم اندکی متنبه گردد بعد از ایامی معدود فراموش کند و بر تلی که
 معناد و خوبی نموده راجع شود پس باید از طفولیت این اساس متین را بنهند زیرا
 تا شاخ تازه و تراست بکمال سهولت و آسانی مستقیم و راست گردد .
 مقصود این است که اس اساس الهی اخلاق رحمانی است که زینت حقیقت
 انسانی است و علم و دانش است که سبب ترقی عالم بشریت است در این
 قضیه باید اجزای الهی نهایت اهمیت و خیرت را مبذول دارند . « مکتب عجب بسیار جلد ۱

« اگر مربی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلم نباشد اطفال کل مانه
 حشرات گردند این است که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت
 اجباری است نه اختیاری یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را
 بنهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش
 علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در اینخصوص قصور کنند در نزد رب غیور
 مأخوذ و مذموم و مدحورند . »
 (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول)

« از جمله تعالیم مهباء الله تعلیم معارف است باید هر طفلی را بقدر لزوم
 تعلیم علوم نمود اگر ابوی مقتدر بر مصارف این تعلیم نباشد و الا باید مهیت
 اجتماعیه آن طفل را واساطط تعلیم مهیا نماید . »

(از لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب بحیثیت لای برای اجرای صلح عمومی)
 تونخ ۱۷ دسامبر ۱۹۱۹

« اساس تین دین الله را ارکان مبین مقرر و مسلم است رکن اعظم
 علم و دانائی است و عقل و هوشیاری و اطلاع بر حقایق کونیة و اسرار
 لهذا ترویج علم و عرفان فرض و واجب بر هر یک از یاران است پس باید

آن انجمن رحمانی و آن محفل روحانی بتمام قوت در تربیت اطفال کوشند تا آباد است.
الهی در روش و سلوک بهائی از خرد سالی تربیت شوند و مانند نهال ببار سلسال
وصایا و نصیاح جمال مبارک نشو و نما کنند پس بجان بکوشید و بلسان تشویق
نمایند و اموال انفاق کنید تا مکتب عشق آباد در نهایت آرایش و نظام
ترقی نماید . . «

« در خصوص اطفال مرقوم نموده بودی باید از بدایت اطفال را تربیت الهی
پرورش داد و همواره بذکر حق متذکر نمود تا محبت الله در طینت آنان ثبوت
و قرار یابد و با شیر امتزاج نماید . . «

« این اطفال را تربیت بهائی خواهم تا در ملک و ملکوت ترقی نمایند و
سبب سرور دل و جان تو گردند . در آینده اخلاق عمومی بسیار فاسد گردد
باید اطفال را تربیت بهائی نمود تا سعادت دو جهان یابند و الا در رحمت
و مشقات افتند زیرا سعادت عالم انسانی با اخلاق رحمانی است . . «

« ای منجذب بنفحات الهی تربیت اطفال بسیار امر مهم است باید طفل
شیرخوار را تربیت بهائی تربیت کرد و روح محبت حضرت مسیح و حضرت بهاء
را در او دمید تا به موجب تعالیم حقیقی انجیل و کتاب اقدس اطفال تربیت یابند.»

« ای ناظر بملکوت الهی نامه تورا رسید از مضمون معلوم گردید که مشغول بتعلیم
اطفال اجبا هستی و آن کودکان معصوم کلمات مکنونه و مناجات تعلیم گرفته اند
و بعضی بهائی بودن پی برده اند تعلیم این اطفال مثل نهال های تازه فی در گلشن
ابهی است که در بقاع مهمل بان تربیت آنها مشغول و البته نتایج مطلوبه حصول
خواهد یافت علی الخصوص تفهیم شروط و اخلاق بهائی زیرا باید اطفال صغیر بکار
و دل مطلع بر آن شوند که بهائی بلفظ نیست بعضی است هر طفلی باید تربیت
الهی تربیت شود تا مجمع اخلاق حمیده گردد و سبب عزت امر الهی شود و الا لفظ
بهائی بی ثمر نتیجه ندارد باری تا توانی بکوش تا این اطفال را بفهمانی که بهائی
یعنی انسان جامع جمیع کمالات باید مثل شمع روشن باشد نه اینکه ظلمات اند
ظلمات باشد و امش بهائی نام مدرسه را مدرسه یکشنبه بهائیان بگذارید.»
۱- کلاس اطفال بهائی در کنوشا - ویس کانسین - ایالات متحده

« از قبل نامه ای مشروح راجع تربیت اطفال در امر الهی و ظهور ایمان و
ایقان و کسب علوم و معارف روحانی و تفهیم این اصل که با قلوب متضرع
و پراپتهال توجه بملکوت حضرت ذوالجلال نمایند مرقوم و ارسال گردید یقین
است نسبت بجهول این مقصود بذل هسگه گونہ سعی و مجاہدت نخواہید نمود.»

« و اما ما سئلت فی تربیة الاطفال فعلیک ان ترضعہم من ثدی محبۃ
و تشویقہم الی الروحانیات و التوجہ الی اللہ و حسن الآداب و احسن الاخلاق
و کتاب الفضائل و الخصال المحمودۃ فی عالم الانسان و درس العلوم
بغایۃ الاتقان حتی یکونوا روحانیین ملکوتیین منجذبین بنفحات القدس من
صغرتہم و یتربوا تربیۃ دینیۃ روحانیۃ ملکوتیۃ و انی ادعو اللہ ان یوفیہم
علی ذلک . . »

« امی یاران در تحصیل علوم و عرفان بکوشید و در کتاب کمالات
صوری و معنوی مجتہد بلیغ نمایند اطفال را از صغرتن تحصیل علم علی

تشویق کنید و با کتاب هر صنعتی تشریح نماید تا قلب هر یک بعون و عنایت
 حق مانند آئینه کاشف اسرار کائنات گردد و بحقیقت هر شینی پی برد و در علوم و
 معارف و صنایع مشهور آفاق شود البته صد البته در تربیت اطفال تصور و
 فتور مفرمانید و با خلاق رحمانی پرورش دهید و مطمئن بموہبت و عنایت حضرت
 پروردگار باشید .»

« ای دو بنده آستان مقدس محافل که از برای تربیت و تعلیم نورسیدگان
 ترتیب گردیده مورث نہایت روح و ریجان شد و بر نفسی ساعی در آن یا معلم
 طفلان یا مشوق کودکان است البته منظر تائیدات خبیثہ حضرت یزدان گردد
 و مورد الطاف بی پایان شود لهذا بانہایت سرور تشویق بر این امر مشکور میگردد
 تا مشاہدہ اجر مو فور فرمائید و منتظر تائید حتمی رب غفور باشید و علیکم بہار الابیہ »
 ع ع

« ای دو کنیز عزیز الہی انسان آنچه بلسان گوید باید باعمال و افعال اثبات
 کند اگر ادعای ایمان نماید باید بموجب تعالیم ملکوت ابہی عمل نماید . کچھ نہ

شما با اعمال قول خویش را ثابت نمودید و بتأییدات الهیه موفق شدید و اطفال
 بهائی را جمع نموده هر باءاد و تعلیم مناجات میدهید این عمل بسیار مقبول و
 سبب سرور قلب آن اطفال هر صبح توجه بملکوت نموده بذكر حق مشغول گردند
 و در نهایت ملاحظت و صداوت مناجات کنند آن اطفال بتأیه نهالند و این
 تعلیم مناجات مانند باران که طراوت و لطافت بخشد و بتأیه نسیم محبت الله که
 با بهتر از آرد طوبی لکم و حسن مآب . .

« ای ثابت بر پیمان نامه شماره سید مفهوم موجب فرح و نهایت سرور
 گردید که احمد الله نور سیدگان جنت ابهی از رشحات ابر عنایت در نهایت طراوت
 و لطافت و باران نیسان هدایت کبری نشو و نما ینمایند و روز بروز ترقی میکنند
 یقین است که هر یک رایت هدئی شوند و آیت صومبت ملکوت ابهی گردند
 حدیقه عرفان را بطل خوش الحان شوند و صحرا می صحبت الله را غزالان خوش خط و
 خال مسئله تربیت اطفال را بسیار اہمیت بدہید زیرا این اساس شریعت الله
 است و پایہ بنیان دین الله . اگر بدانید از قضیہ اطفال چقدر مستر حاصل

.. گروید البته جمیع اطفال را چنین تربیت نمایند .»

« امی باران حقیقی جمیع بشر و نوع انسان مثابه اطفال دبستانند و مطالع نور و
مطابرو حی رب غفور ادیب عجب صلی و مربی بی نظیر و مشی در دبستان حقایق
این فرزندان را بتعالیم الهی تربیت نمایند و در آغوش عنایت پرورش دهند تا
در جمیع مراتب ترقی نموده مظاهر مواهب گردند و مرکز سنو حیات رحمانیه شوند
و مجمع کجالات انسانیه در کل نشون صوری و معنوی بنیان و عیان جسمانی و
روحانی ترقی نمایند و عالم فانی را آئینه جهان نامی جهان جاودانی کنند
پس ای دوستان حق شمس حقیقت چون در این دور عظیم در اشرف نقطه اعتدال
ربعی طلوع نمود و بر آفاق اشراق گرد چنان خسرو نشری نماید و شور و ولوله ای
در اطباق وجود اندازد و چنان نشوونمانی بشد و چنان تابشی نماید و ابر عنایتش
چنان بار و باران جهرش چنان ریزشی بنماید دشت و صحرا چنان گل و ریاحینی
برویاند که غبر اجنت ابهی گردد و روی زمین بهشت برین شود و بسیط
خاک چون محیط افلاک شود عالم وجود عرصه محمود شود و نقطه تراب مطلع اطفال

رب الارباب گردد .

پس ای اجنای الهی جهد بلیغ نمایند تا شما منظر این ترقیات و تائیدات
گردید و مرکز سنوحات رحمانیه شوید و مشرق انوار احدیت گردید و مروج مهابت
مدنیت شوید و در آن کشور رهبر کمالات انسانیت گردید ترویج علوم و معارف
نمایند و در ترقی بدایع و صنایع کوشید تعدیل اخلاق نمایند و بخلق و خوبی بقت
آفاق جویند و اطفال را از سن شیر خواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در عهد
فضائل پرورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید از هر علم مفیدی بهره مند نمایند
و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید پر همت نمایند و متحمل مشقت کنید اقدام در امور
مهمه بیاورید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمایند .»

«تعلیم اطفال و پرورش کودکان عظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف
و عنایت حضرت رحمن زیرا اس اساس فضائل عالم انسانی است و سبب تدریج
باوج عزت جاودانی چون طفل در کودکی تربیت شود مانند نهال در جو بیار علم و
دانش بغایت باغبان گلشن احدیت از زلال معانی بنوشد و آهسته پرتو شمس

حقیقت گیرد و بشعاع و حرارتش در کاشن وجود طراوت و لطافت بینایت
 یابد پس اویس باید طبیب باشد یعنی اطفال را تعلیم دهد و اخلاق را تعدیل
 نماید علم و دانش آموزد و مخلق و خومی ربانی پرورش دهد طبیب اخلاق
 باشد تا انبیا آفاق را از حطل و امراض روحانی معالجه نماید .
 اگر در این مورد عظیم تمت جلیله مبدول شود عالم انسانی زینت دیگر یابد
 و نورانیت دیگر حاصل نماید جهان ظلمانی نورانی شود و عالم امکانی بهشت
 جاودانی گردد حتی دیوان فرشتگان شوند و کرگان شبان اغنام گردند
 و کلاب غزالان بر وحدت شوند و درندگان پرنندگان شوند و مرفان بنگ
 خوش نغمه و آهنگ گردند زرا حقیقت انسانیة خط فاصل بین اطل والنور و مجمع
 البحرین (۱) و نهایت قوس نزول (۲) است لهذا استعداد جمیع مراتب دارد
 تربیت اکتساب فضائل کند و از عدم تربیت در اسفل درجات نقائص ماند .
 هر فضلی ممکن است که سبب نورانیت عالم گردد و یا سبب ظلمانیت آفاق

۱ قرآن کریم ۱۵: ۲۵ ۳۵: ۱۳ ۵۵: ۱۹-۲۵ همچنین مناجات از دین اهل بیت
 عبد بسا که باین بیان آغاز میشود : «... فی فؤادها میانه بخت کبرایت قرآن درین قرآن تعذر
 فرمودی ...» مراد فرمود .
 ۲ کتاب طب مغاومات صفحہ ۲۱۱ بیان میکند : «... قوس نزول قوس صعود است .»

شود لهذا باید مسئله تربیت را بسیار مهم شمرد اطفال را از کودکی از پستان
محبت الله شيرداد و در آغوش معرفت الله تربیت نمود تا نورانی گردند رحمانی
شوند علم و دانش آموزند و خلق و خوی فرشتگان یابند حال چون شما باین حد
مقدمه معین شده اید البته باید نهایت نهایت مجری دارید تا آن مدرسه بجمیع
شئون و مراتب شهیر آفاق گردد و سبب عزت کلمه الله شود .»

«تعلیم اطفال و تربیت نونهالهای جنت ابی از اعظم خدمات درگاه کبریا است
تا مانند لسانی موهبت در صدف تربیت بفضیله هدایت پرورش یافته زینت
اکلیل عزت ابدیه گردند ولی قیام باین خدمت بسیار مشکل است و از عمده برآید
مسئله . امیدوارم که آنجناب موفق باین خدمت عظمی گردند و از عمده برآید
تا مظهر موهبت کبری شوند تا جمیع اطفال تربیت الهیه تربیت شده خلق و خویشان
مانند نفعات گلشن ابی مظهر گردد و مشام آفاق را معطر کند .»

«ای بنده جمال مبارک خوشابحال تو که بخدمتی مشغولی که سبب روشنائی رخ

در ملکوت ابهی است و آن تعلیم و تربیت اطفال است اگر انسان چنانکه باید و
شاید تعلیم نورسیدگان نماید خدمتی عظیم از این در درگاه احدیت نیست از قرار
مسموع شما باین خدمت موفق ولی باید دم بدم بکوشید تا بهتر و بیشتر موفق
گردید من همواره از حضرت یزدان تمنی و آرزو مینمایم که شما سبب احیاء قلوب
و تزکیه نفوس و نورانیت آن اطفال گردید . «

« امید عبدالبها چنان است که آن نورسیدگان در دستان عرفان نرود
لایب عشق چنان تربیت و پرورش یابند و در مقامات معنوی معانی و اسرار
آموزند که هر یک در حجت ابهی مانند عنذیب گو یا گلبنانک اسرار بلند کند و
براز و نیاز پردازد . «

« ای امته الله دستان تعلیم روحانی باز کن و ادیب دارا تعلیم رحمانی شو
و اطفال را بتربیت الهی تربیت نما و در آغوش صدف هدایت الله چون در آغوش
پرورش ده و بجان و دل بکوش که نورسیدگان در منتهای حالات انسانیه تربیت شوند

بقسمی که هر یک از اطفال در عقل و کیاست و در آیت و قبش و تفریح آیت الهی
گردند و در نهایت خضوع و خشوع و وقار و انجذاب تربیت شوند .»

« در خصوص معلمه جستجو نماید ولی باید بسیار محبوب و ساکن و مظلوم و با تربیت
و در لسان انگلیزی ماهر باشد .»

« اسی معلم رحمانی در دبستان تعلیم آن نورسیدگان الهی را آداب ملکوتی
بیاموزد و در مکتب توحید ادیب عشق گردد و اطفال یاران رحمانی را رسم و آئین
محبت الهی تعلیم نماید تازه نهالان جنبش الهی را به فیضان میاه روح و ریحان پرورش
دهد و بریزش باران بخشش حضرت یزدان نشود و نما بخشش تا توانی بکوش که این
اطفال مانند اشجار بهیمال در ریاض ذوا کمال در نهایت طراوت و لطافت
و صلاوت جلوه نمایند این مواهب عبارت از محبت جمال الهی روحی لاجزاء الغدا
و فیوضات تعالیم حضرت کبریا و تربیت روحانیه ملا اعلی و انجذاب و اشتغال
و اشتغال با آنچه سبب عزت ابدیه در عالم انسان .»

« در ترقیات عصریه بکوشید و در مدنیّت مقدّمه جهد بلیغ و سعی شدید نمایند
دبستانهای در نهایت انتظام ترتیب دهید و اصول تحصیل معارف را ترویج
معلمانی در نهایت تقدیس و تزیین جامع آداب و کمال تعیین نمایند و ادیبان و
مربّیانی حائز علوم و فنون ترتیب دهید و هیئت مقدّمه ایادی امراته باید
مواظبت در حفظ شئون و لوازم این دبستانها نمایند تا روز بروز اسباب
ترقی از هر جهت فراهم آید و انوار دانش جهان را روشن نماید . »

« امی ثابت بر پیمان نامه شمارسید در جواب مجبور با اختصارم شکر کن
خدا را که موفق بان گشتی که بتعلیم نونهالان جنّت ابنی پردازمی و در این ضمن سایر
اطفال نیز بهره و نصیب یابند تعلیم کو دکان نفس صریح فرض و واجب لهذا
معلمان خادمان حضرت رحمانند زیرا قائم باین خدمت که عبارت از عبادت
است لهذا باید شما هر دمی شکرانه نمایند که تربیت اولاد روحانی مینمایند
پدر روحانی اعظم از پدر جسمانی است زیرا پدر جسمانی سبب حیات جسمانی است
اما پدر روحانی سبب زندگانی جاودانی این است که از وراثت بموجب شریعتاً

معدودند حال شما صفا منت این همه اولاد معنوی داری که بهتر از اولاد جسمانی
است زیرا اولاد جسمانی ممنون از پدر نیستند پدر را مجبور بر خدمت خود میدانند
لہذا آنچه پدر کند بظن نیارند اما اولاد معنوی ہمیشہ ممنون پدر مہربان و پدامن
فضل زبک المنان ..

« ای ثابت بر میان در خصوص تربیت اطفال نہایت ہمت را بگری
داشتی و من نہای رضار از شما داشته و دارم الحمد للہ در این خصوص بخدمت
پرداختی و یقین است کہ تا نیدات ملکوت اہل شامل کرد و نجاح و فلاح خواہی
یافت . الیوم تربیت و تعلیم اطفال جبار اللہ از اعظم مقاصد و آثار اصنیاست
عبودیت آستان مقدس است و خدمت جمال مبارک لہذا باید در نہایت
سرور و فرح مباہات باین خدمت نمائی ..

« ای معلمہ اطفال ملکوت بخدمتی قیام نموده ای کہ اگر بجمع معنیں آفاق
اشخار کنی سزاوار است زیرا معنیں آفاق تربیت نامسوتی نمایند تا قوای

بشری به صورتی چه مصنوعی نشود و نما نمایند ولی تو تازه نهالهای باغ الهی را
تربیت آسمانی میکنی و درس بکنوتی میدهی نتایج این تعلیم حصول الطاف رب
جلیل است و ظهور فضائل عالم انسانی در این تعلیم ثابت و مستقیم باش نتایج
عظیمه حاصل خواهد شد اطفال را باید از صغر سن بهائی روحانی ربانی تربیت
کرد اگر چنین تربیت شوند از هر امتحانی محفوظ و مصون مانند . .

« ای مظهر الطاف الهی در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و
معارف است و بنص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند
لذا باید در هر شهری و قریه فی مدارس و مکاتب تاسیس گردد و جمیع اطفال
بقدر لزوم در شهر و قریه در تحصیل بکوشند لهذا هر نفسی که اتفاق در این مورد
نماید شبهه ای نیست که مقبول در گاه احدیت شود و مورد تحسین و تمجید ملا
اعلی گردد چون در این امر عظیم جهد بلیغ مبذول داشتید لهذا امید چنین که
مکافات از رب الآیات البینات حصول یابد و مشمول کمالات صین
رحمانیت گردید . . »

بشری به صورتی چه مصنوعی نشود و نما نمایند ولی تو تازه ناله‌های باغ الهی را
تربیت آسمانی میکنی و درس ملکوتی میدهی نتایج این تعلیم حصول الطاف رب
جلیل است و ظهور فضائل عالم انسانی در این تعلیم ثابت و مستقیم باش نتایج
عظیمه حاصل خواهد شد اطفال را باید از صغرتن بهائی روحانی ربانی تربیت
کرد اگر چنین تربیت شوند از بهر امتحانی محفوظ و مصون مانند .

« ای منظر الطاف الهی در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون
معارف است و بنص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند
لذا باید در هر شهری و قریه فی مدارس و مکاتب تاسیس گردد و جمیع اطفال
بقدر لزوم در شهر و قریه در تحصیل بکوشند لهذا هر نفسی که اتفاق در این مورد
نماید شبهه امی نیست که مقبول در گاه احدیت شود و مورد تحسین و تمجید ملا
اعلی گردد چون در این امر عظیم جهد بلیغ مبذول داشتید لهذا امید چنین که
مکافات از رب الآیات البینات حصول یابد و مشمول کمالات صین
رحمانیت گردید . »

« ای صاحبان بهت بلند و مقاصد ارجمند نامه شما فصیح بود و بلیغ و مضمون
 بدیع بود و لطیف زیرا دلالت بر همت موفور و بذل سعی مشکور در تربیت اطفال
 انماث و ذکور بود و این از اتم امور باید اسباب تربیت از برای نورسیدگان
 رحمانی و نونهالان بوستان الهی از بر همت فراهم آورد اینست سبب روشنی
 عالم انسانی . اکمده اجزاء در عشق آباد بنیان مبنی نهادند و اساس
 محکم گذاشتند اول مشرق الاذکار در مدینه عشق تائیس شد و حال اسباب
 تربیت اطفال نیز و با کمال است چه در سنین حرب و قتال نیز اهمال نشد
 بلکه نواقص الحال گردید حال باید دایره را توسعه داد و در تدبیر تائیس مدارس
 عالیه کوشید تا مدینه عشق مرکز علوم و فنون بهانیان گردد و بعون و عنایت
 جمال مبارک اسباب پیشگر کرد و مدرسه بنات را نیز خیلی اهمیت بدید
 زیرا ترقی عالم نساء سبب ظهور عظمت و بزرگواری این کور بدیع است این است
 که ملاحظه مینمایند در جمیع اقالیم عالم نساء و بترقی است این از اثر ظهور عظم
 و از قوه تعالیم الهی اما باید در مدارس ابتدایه تعلیم دین گردد بعد از تعلیم دین
 و اعتقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت احدیت تعلیم سایر علوم پرورخت . »

« ای یاران عزیز عبدالبهاء یکی از دوستان نامه‌نی در خصوص مکتب
 عشق آباد مرقوم نمود که این ایام الحمد لله آن یاران کمال تمهت بترتیب و
 تنظیم مکتب مشغول شده‌اند و معلمان مناسبی قرار دادند و من بعد نهایت
 موظبت و دقت و محافظت در مکتب خواهد شد من نیز امیدم چنان
 که الطاف حضرت رحمان شامل گردد و عون و عنایت ملک منان حاصل
 کند تا یاران در جمیع شئون ممتاز از دیگران گردند و از جمله مهم امور تربیت
 و تعلیم جمهور اطفال است و این قضیه را بسیار منظور دارید زیرا تأیید و توثیق
 نفوس منوط و مشروط بخدمت و عبودیت حضرت بسوچ قدوس و از جمله
 خدمات فائده تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است
 حال الحمد لله شما در این خدمت سعی بلیغ دارید و جهدی عظیم هر چه در این
 امر مهم اقدام بیشتر فرمایید تأییدات و توفیقات الهیه بیشتر ظاهر و آشکار گردد
 بدرجه‌نی که خود شامیران مانید و هذا امر محتموم و وعده غیر مکلذوب . »

« ای بنندگان صادق رب بکنود خدماتی که در احاطه مدرسه تأیید

نموده و بنمایند سر او را تحسین و ستایش است از الطاف حی قیوم تعین و محتموم
 است که انواع الطاف شامل و برکت آسمان نازل گردد تا نسیب و بستان
 علم و عرفان از برای کودکان از فرائض قطعیه اهل ایمان است چون آن یاران
 در این مورد تعهد جانفشانی نموده اید و احاطه بدستان تایید بنمایند عبد البها
 در نهایت عجز و انکسار بملکوت اسرارستایش و نیایش نماید و شمارا برکت و
 آسایش طلبد تا در نهایت راحت و سرور بحسن خدمت مشکوره و موفق و منصور
 گردید . امی پروردگار این نفوس خوش رفتار را در دو جهان عزیز بدار و
 مظاہر الطاف بی پایان نما تویی مقتدر و توانا و تویی دهنده و بخشنده و همیایا .

. بایمن تمام بکلیت علی خدمت امر آن آنچه در خصوص دارالتعلیم مرقوم نموده بودید
 ملاحظه گردید مورث فرح و سرور شد و محرک وجد و جهور جمیع یاران خرم و
 شادمان گشتند این دبستان از تالیفات اصلیه اساسیه است که فی الحقیقه
 سبب استقامت بنیان عالم انسان است انشاء الله از هر جهت مکمل گردد و چون
 این دبستان در هر خصوص مکمل و معمور و فائق بر سایر مکاتب و مدارس گردد

دیگری و دیگری با شتاب تائیس شود مقصود این است که یاران باید در فکر
 تربیت و تعلیم عموم طفلان ایران افتند تا کل در دبستان عیان چشم و گوش
 باز نموده و بحقایق کائنات پی برده کشف رموز و اسرار الهی نمایند و بانوار
 معرفت و محبت حضرت احدیت منور گردند و این بهترین وسیله است بحسب
 بریت عموم .

« در تربیت و تنظیم و تکمیل مدرسه تربیت (۱) بکوشید و بهر وسیله تثبت نماید
 که بلکه آن دبستان روضه رحمن شود و انوار عرفان تباید و اطفال از آشنا
 و بیگانه چنان تربیت شوند که مغزت عالم انسان گردند و موهبت حضرت رحمن
 نهایت ترقی را در اندک مدتی بنمایند و چشم بگشایند و کشف حقایق اشیا بنمایند
 در هر فتنی نهایت مهارت اکتساب کنند و اسرار اشیا را کماهی ادراک نمایند
 و این منقبت از آثار با بهره عبودیت آستان مقدس است البته کمال اهتمام را

۱- اولین مدرسه بهائی در مدینه طهران که بجامعه بهائیان ایران تعلق داشته و تحت نظارت
 آخان اداره میشده است . برای استخار از تائیس مدارس بهائی در کشور و تعطیل موزه‌ها
 به کتاب قرن بدیع مستنوم صفر ۶۷۰ و تحت چهارم صفحات ۱۲۸-۱۵۱-۱۵۲ مراجعه شود

مجرمی دارند و در فکر این باشند که مدارس متعدده باز نمایند و مدارس علوم یا
دبستان تعلیم و ادب باشد و در آداب و اخلاق پیش از علوم و فنون اهتمام نمایند
زیرا ادب و نورانیت اخلاق مرجح است اگر اخلاق تربیت نشود علوم سبب
مضرت گردد علم و دانش مدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد و آن
ستم قاتل و آفت هائل طبیب بد خو و خان سبب هلاکت گردد و علت انواع امراض
این قضیه را بسیار ملاحظه داشته باشید که اساس دبستان اول تعلیم آداب و
اخلاق و تحسین اطوار و کردار باشد .»

« ای یاران الهی حضرت رحمن انسان را بجهت تزیین عالم امکان خلق فرمود
تا با انواع نجشایش بزدانی جهان آفرینش را آرایش دهد و حیقت انسانیه مانند
سُبح رحمانیه محض امکان را آئینه انجمن بالا نماید این معلوم است که عظم مواب
بزدان پاک دانش و دانائی است و علم و فضل از فیض عالم آسمانی پس باید
اجزای الهی چنان شوق و همتی در ترویج علم و عرفان و معارف مبذول دارند
که در اندک زمانی طفلان دبستان ادیبان انجمن علم و عرفان شوند این نیت

دیگری و دیگری با شتاب تائیس شود مقصود این است که یاران باید در فکر
 تربیت و تعلیم عموم طفلان ایران فتنه تا کل در دبستان عنان چشم و گوش
 باز نموده و حقایق کائنات پی برد کشف رموز و اسرار الهی نمایند و بانوار
 معرفت و محبت حضرت احدیت منور گردند و این بهترین وسیله است محبت
 ربیت عموم . «

« در تربیت و تنظیم و تکمیل مدرسه تربیت (۱)، بکوشید و بهر وسیله تثبیت نماید
 که بلکه آن دبستان روضه حمن شود و انوار عرفان بتابد و اطفال از آشنایی
 و بیگانه چنان تربیت شوند که مغفرت عالم انسان گردند و موهبت حضرت حمن
 نهایت ترقی را در اندک مدتی بنمایند و چشم گشایند و کشف حقایق اشیا بنمایند
 در هر فتنی نهایت مهارت اکتساب کنند و اسرار اشیا را کماهی ادراک نمایند
 و این منقبت از آثار با بهره عبودیت آستان مقدس است البته کمال اهتمام را

۱- اولین مدرسه بهائی در مدینه طهران که بجامعه بهائیان ایران تعلق داشته تحت نظارت
 آنان اداره میشده است . برای استخار از تائیس مدارس بهائی در کشور و تعطیل موزه‌ها
 به کتاب قرن بدیع مستنوم صفحه ۷۷۰ قسمت چهارم صفحات ۱۲۸ - ۱۵۱ - ۱۵۲ مراجعه شود

باستان یزدان است و از او امر قطعی حضرت جمن پس ای یاران بدل
 و جان و قوی و ارکان سعی بلیغ نمایند که درسه تربیت را در استان دانائی
 کنید و منسج حقایق و معانی تا نورسیدگان الهی پر تو علوم نامتناهی یابند
 و نهالهای باغ روحانی بغیض ابر علم و عرفان نشو و نما جویند و چنان ترقی کنند
 که سبب حیرت دانایان گردند قسم بغیض حکمت الهیه که اجزای مدرسه تربیت
 اگر باین موهبت موفق شوند اعضا محفل احدیت گردند و ابواب فیض منور
 ریب مفتوح شود . «

« ای شایستهان برپیان اگه نده موفق بان شدید که در مهدی آباد «
 تائیس مدرسه تربیت نمودید و اطفال را بنهایت همت و خیرت تربیت مینمایید
 ترویج علوم و معارف در این امر بدیع اساس عظیم متین است باید جمیع یاران
 بذل جهد بلیغ نمایند تا ترویج امر نور مبین گردد و جمیع اطفال بقدر لزوم محسوسه
 از علوم و فنون برند حتی طفل دهقانی نماند که بکلی از علوم محروم باشد مباد
 علوم فرض است و قرانت و کتابت واجب لهذا نخستین این تائیس میگردد

۱ - قریه ای نزدیک مدینه یزد در ایران

باستان یزدان است و از او امر قطعی حضرت جمن پسای یاران بدل
 و جان و قومی و ارکان سعی بلیغ نمایند که مدرسه تربیت را در باستان دانائی
 کنید و منسج حقایق و معانی تا نور رسیدگان الهی بر تو علوم نامتناهی یابند
 و نهالهای باغ روحانی بغیض ابر علم و عرفان نشو و نما جویند و چنان ترقی کنند
 که سبب حیرت دانایان گردند قسم بغیض حکمت الهیه که اجزای مدرسه تربیت
 اگر باین موهبت موفق شوند اعضا محصل احدیت گردند و ابواب فیض مردون
 ریب مفتوح شود .

« ای باستان برپیان اکتد موفق بان شدید که در مهدی آباد »
 تائیس مدرسه تربیت نمودید و اطفال را بنهایت همت و غیرت تربیت مینماید
 ترویج علوم و معارف در این امر بدیع اساس علم متین است باید جمیع یاران
 بذل جهد بلیغ نمایند تا ترویج امر نور مبین گردد و جمیع اطفال بقدر لزوم محسوسه
 از علوم و فنون برند حتی طفل دهقانی نماید که بکلی از علوم محروم باشد مباد
 علوم فرض است و قرانت و کتابت واجب لند نخستین این تائیس میگردد

۱ - قریه ای نزدیک مدینه یزد در ایران

و تشویق این ترتیب میشود از خدا خواهیم که سایر قرائین نیز تائیدی شبها نمایند
در هر قریه ای که معدودی از اجابا هستند مکتبی ترتیب شود که نورسیدگان در
آن تحصیل قرانت و کتابت و مبادی علوم نمایند اینست سبب سرور قلب
عبدالبهاء اینست سبب روح و ریحان جان عبدالبهاء . «

« ای ثابت برپیمان ترتیبی که در تعلیم تدرار دادید که از بدایت اثبات
الوہیت و وحدانیت رب قدیم و نبوت انبیاء و مرسلین و بیان آثار و آیات
و عجائب کونیه گردد بسیار موافق چنین مجربنی دارید البته تائید از رب محمد
خواهد رسید و حفظ الواح و آیات محکمات و احادیث بسیار موافق البته کمال
مہمت را در تعلیم و تفہیم و تدریس مبذول دارید . «

« اما اطفال از پنج سالگی باید در تحت تربیت داخل شوند یعنی روزی مادری محلی که
مربیان هستند محافظه شوند و ادب آموزند و تحصیل بعضی حروف و کلمات و آیت
مختصر بعنوان بازمی تعلیم شوند چنانکه در بعضی بلاد حروف و کلمات را از شیرینی

ساخته بطفل میدهند مثلاً شکل الف از شیرینی ساخته اند آتش الف است و با
 را از شیرینی ساخته اند آتش با است و همچنین سایر حروف بطفل ضرر دهنده
 اطفال زود حروف را یاد میگیرند ... اما در وقت خواب اطفال، اقنات یا
 غزلیات جمال مبارک را بخوانند تا از سن طهولیت این اطفال بآیات هدی
 تربیت شوند . «

« امی بنده حضرت یزدان در خصوص تربیت صبیان و تعلیم کودکان سوال
 نموده بودی اطفالی که در ظل سدره مبارکه بعرضه وجود قدم نهادند و در عهد
 هدایت پرورش یافتند و رضیع شدی عنایت گشتند این اطفال را باید اقنات
 از بدایت تربیت الهیه تربیت نمایند یعنی همواره ذکر حق کنند و از بزرگواری
 حق سخن رانند و القای خسته الله نمایند و در نهایت لطافت و نظافت و مهربانی
 طفل را پرورش دهند تا آنکه هر کودکی از بدو حیات نسیم محبت الله استنشاق نماید و از
 رانحه هدایت الله با همراز آید این بدایت تاسیس تربیت است و اساس کل
 و چون طفل بسن تمیز رسد او را در دستان الهی داخل نمایند که ابتدا در آن ترتیل آیات

رحمانی میشود و عقاید دینیّه تعلیم میگردد در این مکتب طفل باید قرانت و کتابت
 تحصیل کند و همچنین بعضی از مبادی علوم که از برای صبیان ممکن بشود تحصیل است
 یعنی بر این منوال که از بدایت باید معلم قلم در دست اطفال دهد و آنان را در دست
 نماید و هر دسته را با اقتضای استعداد درس تعلیم دهد آن اطفال در متفرقی ^{صفحه زده}
 نشسته و قلم در دست گرفته و کاغذ در پیش نهاده معلم نیز لوحه یا در مقابل معلق
 نموده و بقلم خویش حرفی نوشته و اطفال نیز متابعت نموده آن حرف را بکارند
 مثلاً معلم حرف الف را مرقوم نماید و بگوید این الف است اطفال نیز مانند
 آن بکارند و بگویند این الف است بر این منوال تا نهایت حروف ابجدیه و
 چون این حروف را در دست شناسند آنوقت معلم حروف را ترکیب نماید
 همچنین اطفال متابعت نمایند و بر صحیفه بکارند تا بر این منوال حروف و کلمات را
 تمامه شناسند بعد معلم جمله بکارند و اطفال نیز متابعت نمایند و پرورق خویش
 بکارند معلم معنی آن جمله را با اطفال تفهیم نماید و چون در لسان فارسی مهارت
 یابند معلم ابتدا ترجمه کلمات مفرده نماید و از تلامیذ معنی آن کلمات را استفسار
 نماید اگر یک تلمیذ یکی ادراک نمود آن کلمه را ترجمه نماید معلم تحسین نماید و اگر

کتل توانستند معلم در زیر آن کلمه ترجمه آنرا بلسان دیگر بکار و مثلثا سماء
 بنویسد و سوال کند این کلمه را با پارسی چه گویند اگر طفلی از اطفال بگوید ترجمه این
 کلمه با پارسی آسمان است معلم تخمین کند و تشویق نماید و اگر توانستند خود معلم بیان
 نماید و بکار و هم شاگردان بکارند بعد معلم سوال کند که این کلمه را به روسی یا فرانسوی
 و یا ترکی چه گویند اگر دانستند بهتر و خوشتر و اگر ندانستند معلم بگوید ترجمه اش بلسان
 روسی یا فرانسوی چنین است و بر لوجه بکار و همچنین اطفال بکارند چون اطفال در
 ترجمه کلمات مفرد و مهارت یابند معلم کلمات را ترکیب نماید و جمله بر لوجه بکار
 و ترجمه آن را از اطفال بطلبد اگر ندانند نفس معلم ترجمه نماید و بکار و اگر استند
 متعدده بکار برد البته بهتر است و باین سبب در مدتی قلیده یعنی سه سال اطفال
 در این متعدده سبب نگاشتن مهارت تا آنکه حاصل نمایند و بتوانند عباراتی از لسان
 بلسان دیگر ترجمه نمایند و چون در این مبادی مهارت حاصل کنند تحصیل مبادی
 علوم پردازند و چون مبادی علوم را تمام کنند بر کس بتوانند و بهوس نماید فنون
 متعدده در مکاتب عالی تحصیل نماید ولی عموم به تحصیل فنون عالی و علوم سامیه
 نتوانند مشغول گردند باید اطفال را بکتاب صنایع فرستاد تا تحصیل صنایع نیز نمایند

و چون در صنعتی از صنایع مهارت حاصل کنند آنوقت ملاحظه نمایند که میل و رغبت
 طفل در چه چیز است اگر چنانچه به تجارت است به تجارت و اگر به صنعت است
 به صنعت و اگر به معارف است به نشر معارف و اگر به ساز و وظائف انسانیته
 است هر کدام را میل و رغبت و استعداد داشته باشد به آن محول نمایند اما اگر اسباب
 اخلاق الهیه است و فضائل و خصائل ممدوحه انسانیته این را بیش از همه باید منظور
 داشت اگر نفسی امّی باشد ولی باخلاق الهیه متعلق و به نفس رحمانی زنده، آن
 بیوادی ضرری با او نرساند و این نفس سبب خیر عموم است و اگر چنانچه جمیع فنون
 را تحصیل نماید و متدین نباشد و متعلق باخلاق الهیه نگردد و نیت خالصه نداشته باشد
 و منہک در شهوات گردد مضرت محض است ابداً از علوم و معارفش جزاوتیت
 و رسوائی حاصل نشود ولی اگر اخلاقش رحمانی و صفاتش نورانی و مسلکش ربّانی
 و آنچه ایش سبحانی و علوم سائزه را تحصیل نماید آن وقت نور علی نور است ظاہرش
 روشن و باطنش منور قلبش سلیم و فکرش عظیم و ادراکش سریع و شانش حیل طوبی
 لمن فاز بجد المقام الکریم .

« تعلیمات مکتب اطفال مفضل است و حال فرصت میسر نیست لهذا مختصر جزئی
 تعلیم مرقوم میگردد اول تربیت آداب و تربیت باخلاق و تعدیل صفات
 و تشویق بر اکتساب کمالات و تخریص بر تنگ به دین الله و ثبوت بر شریعت
 و اطاعت و انقیاد تام بحکومت عادل و صداقت و امانت به سرسلطنت
 حاضر و خیرخواهی عموم اهل عالم و مهربانی با کل امم و تعلم فنون مفیده و ^{جنبته} ^{السن}
 و حسن سلوک و مداومت ادعیه خیریه در حق ملوک و مملوک و اجتناب از قرانت
 طوائف مادیه ام طبیعیه و از حکایات و روایات عشقیه و تالیفات غرامیه خلاصه
 جمیع دروس محصور در اکتساب کمالات انسانیه این تعلیم تربیت مکتب است
 که مختصر مرقوم میگردد . »

(مکاتیب عبدالبهاء - جلد اول)

« و اما ترتیب مدرسه باید اطفال اگر ممکن یک نوع لباس بپوشند و لوقاش
 تفاوت داشته باشد اگر چه بهتر آن است که از یک قماش باشد ولی اگر ممکن
 ضرری نه و علامه باید در نهایت طهارت و نظافت باشند هر چه نظافت بیشتر
 بهتر و موقع مدرسه در جانی باید باشد که هوا در نهایت لطافت باشد و حسن آداب

تلاذه را باید بغایت دقت نمود و اطفال را تشویق و تحریص بر فضائل عالم انسانی
کرد تا از صغیر سن بلندی بهمت و پاکدامنی و خوش سلوک و طیب و طاهر تربیت شوند
و در امور عزم شدید و نیت قوی حاصل نمایند از بزل در کنار باشند و در هر مقصد
عزم صمیمی داشته باشند تا در هر موردی ثبات و استقامت کنند .

تربیت و آداب اعظم از تحصیل علم است طفل طیب طاهر و خوش طینت
و خوش اخلاق و لوجاهل باشد بهتر از طفل بی ادب کثیف بد اخلاق و لودرجیم
فنون ما هرگز درود زیرا طفل خوش رفتار نافع است و لوجاهل و طفل بد اخلاق
فاسد و مضر است و لو عالم ولی اگر علم و ادب هر دو بیا موزد نور علی نور گردد
اطفال مانند شاخه ترو تازہ اند هر نوع تربیت نمائی نشود و نمائند . باری
در بلندی بهمت اطفال بسیار کوشش نمایند که چون بلوغ رسند مانند شمع برافروزند
و بهومی و هوس که شیوه حیوان نادان است آلوده نگردند بلکه در فکر عزت ابدیه و
تحصیل فضائل عالم انسانی باشند . «

« در خصوص تعلیم و تربیت اطفال نهایت بهمت مجربین فرمائید نهایت عظمتی دارد

و همچنین تربیت بنات در نهایت آداب تا بحسن سلوک و اخلاق پرورش یابند
زیرا اطفال اول مرتبی اطفالند و هر کودک در بدو طفولیت مانند شاخه تروتازه
است و در تحت تربیت مادر و پدر بهر قسم که خواهند تربیت نمایند .»

« امی اما الرحمن مدرسه بنات اتم از مدرسه ذکور است زیرا دوشیزگان
این قرن مجید باید نهایت اطلاع از علوم و معارف و صنایع و بدایع این قرن عظیم
داشته باشند تا تربیت اطفال پر دازند و کودکان خویش را از صغیر سن تربیت
کمال نمایند و اگر مادر چنانکه باید و شاید حائز فضائل انسانی باشد اطفال مانند
فرشتگان در نهایت کمال و جمال و آداب پرورش یابند پس این مدرسه بنات که
در آن سامان تاسیس شده باید مشمول نظر اجبای الهی گردد و مورد اهتمام نفوس
رحمانی شود معلماتی که در این مدرسه هستند اما مقربه درگاه احدیتند زیرا اطفال
او امر مقدسه جمال مبارک نمودند و تربیت اطفال انماث برخاستند روزی آید که
این دختران مادران گردند و هر یک در نهایت ممنونیت بدرگاه احدیت تضرع
وزاری نمایند و این معلمات رانجام و فلاح و دستگاری طلبند و علو درجات در

ملکوت رب الآیات خواهند . این مدرسه را مدرسه موهبت نام نهادند (۱) .

« یا ائمه الاصلی نامه ای که در خصوص مدرسه دختران (۲) مرقوم نموده بودی از قرأتش دلها شادمان شد که انجمنه در طهران دوشیزگان را چنین دبستانی که در کمال تمهت تحصیل فضائل عالم انسانی بنمایند و در ظل عنایت حضرت احدیت تربیت میشوند تا اندک زمانی نساء در میدان کمال مہمانان رجال شوند تا بحال در ایران اسباب ترقی نسوان نبود از هر ترقی بی بهره بودند ولی انجمنه که از یوم طلوع صبح هدی روز بروز نساء در ترقی هستند و امید چنان است در خصائل و فضائل و تقرب درگاه کبریا و ایمان و ایتقان سبقت گیرند و نساء شرق غبطه نساء عرب شوند .

انجمنه تو موید بخدمتی و در این مورد بسیار رحمت و شفقت میکشی و همچنین معلم مدرسه

میس لیلیان کاپس (۳) با و نهایت مهربانی از قبل من ابلاغ دار . «

۱- مدرسه بهائی دختران در همدان - ایران ۲- مدرسه تربیت در مدینه طهران - ایران

۳- مجله نجم باختر جلد یازدهم شماره ۱۹ صفحات ۶-۳۲۲ ملاحظه شود .

« ای بنات ملکوت در قرون سابق بنات ایران کجی از تعلیم محروم نه مکتبی
و نه دبستانی نه معلمی و نه استادی و نه مربی مهربانی حال در این قرن عظیم
فضل کریم مشمول بنات نیز گردیده مکاتب متعدد در ایران بجهت تعلیم دختران
گشوده گشت ولی تربیت مفقود با آنکه تربیت عظم از تعلیم است زیرا اعلم شخصیت
عالم انسانی است .

حال در عهدان گذشته تائیس مدرسه بنات بهائی را، گردیده شما که معلمه
باید بیشتر از تعلیم تربیت پردازید تا بنات را بصمت و عفت و حسن اخلاق
و آداب پرورش دهید و تعلیم علوم نمائید اگر چنین مجرب می گردد تا نئیدات ملکوت
ابنی در اوج آن دبستان موج زند امید چنان است که موفق گردید . »

« در این امر مبارک مسئله ایام بسیار اهمیت دارد ایام را باید نهایت نوازش
نمود پرورش داد و تعلیم کرد و تربیت نمود علی الخصوص تعالیم حضرت بهائیه بقدر امکان
بهترینی باید تعلیم کرد از خند انوا هم که اطفال ایام را پدر و مادر مهربان باشی و
و شفقات روح القدس آنان را زنده نمائی تا ببلوغ رسند و هر یک عالم نهانی

را خادم حقیقی کردند بلکه شمع روشن شوند . «

« امی ثابت برپیمان نامه شمارسید و سبب نهایت مسرت گردید که کهنه
در همدان تائیس احانه خیریه گردید امیدوارم که سبب نجاح و فلاح کلی گردد و
اسباب راحت و آسایش فقرا و ضعفا و تعلیم اطفال و تربیت ایام حاضر و
میا شود .

مسئله تربیت اطفال و پرستاری ایام بسیار مهم است و همچنین تربیت و تعلیم
بنات اہم ترین امور است زیرا این دختران وقتی مادران گردند و اول مرتبی
اطفال اہماتند اطفال را ہر قسم تربیت نمایند نشو و نما کنند و ما دام کجایات
آن تربیت تاثرش باقی و تبدیل و تغیر بسیار مشکل مادربنی تربیت و نادان چگونه
تربیت و تعلیم اطفال نماید پس معلوم شد کہ تربیت دختران اعظم و ہم از سران
است این کیفیت بسیار اہمیت دارد و باید نهایت تمہت و غیرت را مبذول داشت
خدا در قرآن میفرماید : لایستوی الذین یعلمون الذین لا یعلمون پس جہل
مطلقاً مذموم خواه در ذکور و خواه در اناث بلکہ در اناث مضرترش بیشتر است

لہذا امیدوارم کہ اجبا اطفال را چه ذکر چه انماث در نہایت تمہت تربیت
و تعلیم نمایند ہذا ہو الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین .»

« در خصوص بنات اجباب مرقوم نموده بودی کہ بدرسہ ملل سائرہ میسر وند
فی الحقیقہ این اطفال ہر چند در آن مدارس اندک تعلیمی مگیرند و لکن اخلاق معتاد
را در اطفال تاثری و از القای شبہات قلوب بنات را تغیر و تبدیلی باید
اجبای الہی مدرسہ فی از برای بنات تہیہ و تدارک نمایند کہ معلمات بنات را
تربیت الہیہ تربیت نمایند اخلاق ربانی بیاموزند و اطوار رحمانی تعلیم کنند
طفل مانند نہال تازہ است بہر قسم تربیت نمائی نشود و نما نماید اگر پرستی و رستی
و حق پرستی پرورانی نہالی مستقیم کرد و در نہایت طراوت و لطافت نشوونما
و آلا بسو، تربیت از استقامت بنفید و اعوجاج حاصل کند و دیگر چارہ ندارد .
فی الحقیقہ معلمات اوروپ تعلیم لسان و خطوط و ترتیب بیوت و طرز می و
خیاطی میانند اما اخلاق بکلی تبدیل گردد بقتسی کہ بنات اقہات را نپسندند
و بدخوی و بد رفتار و متکبر و پرغرور گردند پس باید چنان تربیت نمود کہ روز بروز

بر خضوع و خشوع بفرمایند و اطاعت و انقیاد بآباء و اجداد کنند و سبب رحمت
و آسایش کل گردند . . .

« ملاحظه نمایید اگر اطفال مؤمنانند اطفال نیز مؤمن شوند و لوطی
منکر باشد و اگر اطفال منکرات باشند اطفال محروم از ایمانند و لوطی
در نهایت ایقان و طمینان الا ما قدره و الحکم علی الاغلب پس باید دختران صغیر
را پدران و مادران کبیر نهایت موظبت نمایند و در مکاتب بواسطه استادها
ماهر زمانه تربیت نمایند تا بهر قبی اشتها گردند و بر آنچه لازم زندگانی انسان
سبب سعادت و آسایش دودمان است اطلاع یابند و پرورده گردند لهذا
محل روحانی عشق آباد باید در این امر مهم سبقت گیرد تا بعون و عنایت حق
تائسیسی نمایند که سبب فلاح و نجات ابدیت . . . »

« امی کنیزان جمال ابینی نامه شمار رسید و از قرانت آن مطور سرور موفور
حاصل گشت اجمده اماد الرحمن انجمنی آراستند که درس تبلیغ بخوانند و به نشر نعمت

پردازند و در سکر تربیت اطفال باشند اما این محض باید روحانی محض باشد
یعنی مذاکرات باید حجج بالغه و برابین واضح و ادله قاطعه بر طلوع شمس حقیقت باشد
و همچنین آنچه سبب تربیت نبات و تعلیم علوم و آداب و حسن سلوک و حسن اخلاق
و عفت و عصمت و ثبات و استقامت و قوت عزم و ثبوت نیت و اداره منزل
و تربیت اطفال و آنچه از لوازم و ضروریات نبات است تا این نبات در حصن
کمالات و حجر حسن اخلاق تربیت شده وقتی که اقامت کردند اطفال خویش را
با حسن آداب و اخلاق از صغر سن تربیت نمایند حتی آنچه سبب صحت بدن و
قوت بنیه و صیانت اطفال از عروض امراض است تحصیل نمایند و چون کار چنین
انتظام یابد هر یک از اطفال بهائی نهال بهیال جنبت ایهی شوند .

«الیوم اجبای الهی را فرض و واجب است که اطفال را بقرائت و کتابت
و تعلیم دانش و ادراک تربیت نمایند تا آنکه روز بروز در جمیع مراتب ترقی کنند
اول مرتب اطفال مادرانند زیرا طفل در بدو نشو و نما چون شاخ ترو تازره باشد
بهر قسم بجوایی تربیت توانی اگر راست تربیت کنی راست گردد و در کمال مهوری

نشوونما کند و این واضح است که مادر اول مربی است و مؤسس اخلاق و آداب فرزند پس امی مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان عظیم پرستش و عبادت تربیت کودکان است با آداب کمال انسانیت و ثوابی عظیم از این تصور نتوان نمود ... »

(مکاتیب عبدالبهار - جلد اول)

امی اما، رحمان محفل رحمانی که در آن مدینه نورانی تائیس نمودید بسیار بجا و مجزئی بودنی اکتیفته همتی نمودید و گوی سبقتی ربودید و بعینه کبریا بعبودیتی قیام نمودید و بموهبتی رسیدید حال باید بکمال مهت و روحانیت در آن محفل نورانی جمع شوید و ترتیل آیات کتاب مبین نمایند و بذکر حق مشغول گردید و بسان حج و براپن نمایند و در هدایت نساء آن دیار بکوشید و به تربیت نبات و اطفال بسپردارید تا اقامت از صغرسن اولاد را بترتیب تمام تربیت نمایند و حسن اخلاق بیا موزند و بفضائل عالم انسانی دلالت نمایند و از صدور حرکات مذمومه منع کنند و در آغوش تربیت بهائی پرورش دهند تا آنکه طفلان نورسیده از ثدی معرفت الله و محبت الله شیر بنوشند و نشوونما نمایند

و حسن سلوک و علو فطرت و تمهت و عزم جزم در امور و استقامت در هر کار و
علویت افکار و حب و ترقی و بلندی تمهت و عفت و عصمت آموزند هر کاری
را که شروع نمایند از عهدہ برآیند .

زیرا در خصوص تربیت اطفال اقامت باید نهایت اهمیت بدهند و تمهت
بگمارند زیرا شاخه تا تازه و تراست هر نوع تربیت نمائی تربیت شود پس
اقامت باید طفلان خردسال را مانند نهالهایی که باغبان می پرورد پرورش دهند
شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایتقان و خشیت و حشمت بر آفاق و
فضائل اخلاق و حسن صفات تائیس یابد . مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند
ستایش کند و تحسین نماید و تسیر خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی قاعده ای
صدور یابد طفل را نصیحت کند و عقاب نماید و بواسطه معقوله حتی زجر لسانی
جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابداً جائز نیست بکلی اخلاق
اطفال از ضرب و شتم مذموم گردند .»

« ای امام رحمن تربیت اطفال از آغاز کودکی بر عهدہ شما گذاشته شده

شما باید که باید اخلاق فرزندان را تهذیب و تحت جمیع شرائط و احوال آنها
 را سرپرستی و مراقبت نمایید چه که حق جل جلاله مادران را اول مربی اطفال و
 نونهالان مقرر فرموده است این خدمت و وظیفه ای بسیار عظیم و خطیر و مقامی نباشد
 عزیز و جلیل است و نباید نسبت بدان همچو نه سستی و تهاون راه یابد. اگر در این
 صراط مستقیم قدم نهی نسبت باطفال هم در مراتب روحانی و هم در شئون جسمانی
 مادر حقیقی بشمار خواهی رفت. « (ترجمه)

« به نور دیده خویش ... همچنین به فرزند کمتر خود ... تجلیات و اشواق
 قلبیه مرا ابلاغ نما. فی الحقیقه هر دو نرد من عزیز و محبوبند همان تزار که پدر
 مهربانی نسبت باطفال دل بسند خویش در نهایت عشق و محبت است. راجع به
 شخص خود، آنان را کمال ملاحظت ابراز دار و مهت بلوغ در تعلیم و تربیت آنها
 بگمار تا بلبن محبت الله پرورش یابند و نشو و نما نمایند زیرا تکلیف والدین چنانست
 که در تعلیم و تربیت اولاد بجهت های جد ساعی و کوشا باشند.

و نیز پاره ای وظائف مقدسه بر عهده اطفال است که باید در حق والدین رعین

دارند و طائف و تعدادی که در کتاب الهی مدون و مسطور است چه که مرتبط
 بخداوند است را، ترقی اطفال در این عالم و در جهان ملکوت موقوف
 برضایت و مسرت خاطر ابون است و بدون آن در خسران و زیان محض
 خواهند بود . « (ترجمه)

« ای عزیز عبد البهار، فرزند پدر خویش باش و ثمره آن شجر گرد فرزند
 باش که از عنصر جان و دل مولود شده نه آنکه از آب و گل پدید آید و باشد
 فرزند حقیقی فرزند می است که از جنبه روحانی یک پدر قدم بعرصه وجود نهاد
 از خداوند مسلت بینایم که در جمیع احوال ثابت و راسخ باشی و به تائیدات
 الهیه مؤید و موفق گردی . « (ترجمه)

۱. در رساله سوال و جواب که تتمه کتاب اقدس مسوب حضرت تبارک خدمت
 ابون را و خیفه بنتیه اولاد مقرر فرموده اند و نیز جو قاطع و سیرج بیان میفرمایند
 که پس از عرفان حق بن و جلال منم تکلیف اطفال بمانا بذل توبه کامل نسبت بمقوق والدین
 و اکرام آنان بکمال است . (ترجمه)

« ای اطفال عزیز پدر شما شفق و مهربان و نسبت شما در نهایت رفعت
 و عظمت است شما را ترقی و تعالی خواهد و در ملکوت الهی حیات جاودانی
 طلبید پس ای اطفال عزیز وظیفه شما آنست که رضایت و مسرت خاطر او را
 فراهم نمایند و در سبیل هدایتش ساکت گردید . مفتون مغناطیس محبت نهد شوید
 و در دامان عطف و یزدانی بیاراید تا حاقبت در جنت ابنی اعضاء بر طراوت
 زیبا گردید و از سلسال فیض و الطاف لانهایه حضرت احدیت نصیب موفور گردید
 و محترم و شاداب شوید . » (ترجمه)

« جوانان نورسیده گان باید روش حضرت حکیم (۱)، گیرند و بان روش تربیت
 شوند زیرا آن نفوس مهمه بملکوت ابنی صعود نمودند نورسیدگان باید نشو و نما
 نمایند و مقام پدران گیرند تا این موهبت در سلاله هر یک از اجزای الهی که
 مشقت عظیمه کشیدند روز بروز زیاد شود و حاقبت در دو جهان شمره نبشد . »

(۱) یکی از اجزای ممتاز و مخلص و خدوم قزوين .

« مدرسه اطفال در روز یکشنبه و قرانت الواح و تعالیم حضرت بهاء الله و
 القاد کلمه الله بر مسامع اطفال بسیار مبارک است البته دانما این انجمن را مجری
 دارید و اهمیت بدیهه تا روز بروز تووسع یابد و ثبقات روح القدس زنده گردد
 اگر چنانچه باید و شاید این انجمن ترتیب یابد یقین بدان تا نایع عظیمه نبشده ولی ثبات
 و استقامت لازمست نه آنکه آیامی چند دوام نماید بعد کم کم فراموش شود
 شرط استقامت است و در هر امری که ثبوت و استقامت گردد البته نتیجه بخشد
 و الا آیامی چند دوام نماید بعد منحل گردد . »

« امی اطفال ملکوت نامه شما با عکس های شما وصول یافت نامه ها را چون
 خواندم از قرانت نامه ها نهایت احساسات قلبیه حاصل شد و از مشاهده عکس ها
 محبت و سرور روحانی رخ داد الحمد لله منطوق نامه ها دلیل بر آن بود که توجه بملکه
 اعلی دارید و از شمائل واضح بود که نور محبت الله در جبین واضح و آشکار از خدا
 خواهم که در این مدرسه در روز های یکشنبه تحصیل علوم آسمانی کنید و تربیت اخلاق
 روحانی یابید روز بروز ترقی کنید تا هر یک نهال بهیال در بوستان الهی گشته

پر برگ و شکوفه و پرثمر گردید . . .

(از لوجی خطاب با طفل مدرسہ بہائی در اورابانا - ایلینویس)

« ای نہالان بہمال چہستان ہدایت و نورسیدگان اہل حقیقت ہر چند حال
تلاذہ اید امید چنانکہ اساتذہ گردید در بوستان علم و عرفان مانند گل و ریحان
بر شحات سحاب عنایت نشو و نما نمایند و ہر یک درختی بارور و شجرہ فی در نہایت
طراوت و لطافت و دوحہ فی مملو از اثمار پر حلاوت گردید تائیدات غیبیہ اہل
ہر یک را بنوع علم و عرفان نماید و از ملا اعلیٰ بمرکز صدور الہامات غیبیہ وصول
یابد و انکشافات معنویہ حصول پذیرد قطرہ حکم دریا گیرد و ذرہ جلوہ آفتاب نماید
حضرت اعلیٰ روحی لہ العدا میفرماید : لو ارادت نملتہ ان تفسر القرآن من ذکر
باطنہ و باطن باطنہ لتقدر لان السر القدرانیۃ قد تلجج فی حقیقۃ الکائنات چون
مورصیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است کہ در ظل فیوضات
جمال مبارک روحی لاجتہانہ العدا چہ عون و عنایت حاصل گردد و چہ تائید و الہام
متواصل شود . پس ای نورسیدگان نورانی شب در روز جہد نمایند تا بتحائق و
معانی پی برید و اسرار یوم ظہور ادراک کنید و جمع و براہین اشراق اسم عظم را ظلم

باید زبان به ثنا گشاید و اودته و برهان اقامه نماید شنگان را بمعین ما.
حیوان برسانید و مریضان را شفای حسیقی بدید شاگردان حق گردید و طیبان
الهی شوید مریضان انسان را معالجه نماید و محرومان را محرم اسرار کنید مایوسان
را امیدوار نماید خستگان بیدار کنید غافلان هوشیار نماید این است ثمره
جود این است مقام محمود . «

آثار و الواح حضرت ولی امر الله و توقیعاتی که
از طرف آن حضرت نگاشته شده است.

۳- از آثار و الواح حضرت ولی امر الله و توفیقاتی که
از طرف آن حضرت نگاشته شده است.

« برای اعضاء بجهت تربیت اطفال ... آرزوی امدادات الهیه نمایم تا بعون
و عنایت پروردگار در امری که تا آن درجه در قلب و نهاد مولای عظیم حضرت
عبدالبهاء جای داشته و معزز و گرانها بوده است توفیق یابند و بتربیت و
اقامه نفوسی مخلص و فعال در استقبال آیام حبه ابراز خدمت بساحت قدس حضرت
احدیت نائل و مؤید گردند. » (ترجمه)

از لوح مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۲۲ حضرت ولی امر الله خطاب
بعض روحانی ملی بهائیان ایالات متحده امریکا و کانادا،

« محافل روحانیه محلیه باید جمیع وسائل موجوده در تنویر افکار جوانان از لحاظ مادی
و روحانی سعی بلیغ مبذول دارند و موجبات تربیت اطفال را فراهم سازند
و در موارد ممکنه مؤسسات تربیتی بهائی تاسیس و امور آنان را منظم نمایند تحت
نظارت و سرپرستی خویش گیرند و بهترین طریق برای ترقی و پیشرفت مؤسسات
مذکوره را آماده کنند. » (ترجمه)

از لوح مورخ ۱۲ مارچ ۱۹۲۳ حضرت ولی امر الله خطاب به بانیان
ممالک امریکا - بریتانیای کبیر - آلمان - فرانسه - سویس - ایتالیا - ژاپن
و استرالیا . ۲

« راجع بخدمات و فعالیت های روحانی « اطفال ملکوت » در امریکادها و
مناجات این عبد است که آنان در مراحل حیات ترقی نمایند و خدام غنیور و
پر حرارت امر حضرت بهاء الله گردند . خلوص و فداکاری آنان و همچنین استعداد
و قابلیتشان در خدمت و مساعدت امر مشرق الاذکار بهائی و نیز فعالیتشان در
مورد مجده بهائی جمیع آثار و شواهد صریح و مضموم از آئینه درخشان امر الله در آن سرزمین
است امید است توجهات و عنایات لانهایت پدر آسمانی هر شما و هادی ایشان
بوده رسالت و مأموریت حیاتی ایشان را در مستقبل ایام ظهیر و نصیر گردد . » ترجمه

از لوح مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۲۳ حضرت ولی امر الله خطاب
بمجلس روحانی ملی بھائیان ایالات متحده امریکا و کانادا (

« امر تربیت از بنین و بنات این ایام از امور اساسیه لازمہ محبوب و این از
وظائف اعضای محافل روحانی است که بمعاونت یاران در تائیس مدارس
محض تربیت بنین و بنات در امور روحانیّه و تعلیم اصول تبلیغ و تلاوت آیات

دینیات و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و تکمیل السن و لغات
بکل قومی بگوشند تا اسلوب تربیت بهانی چنان صدیثش مشتهر گردد که طفل
از تمام طبقات در مدارس بهایان تعالیم الهیه و علوم مادیه را بنیاموزند و باین
اسباب ترویج امر الله را فراهم آرند .

از لوح مؤرخ ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ حضرت ولی امر الله خطاب مجل
روحانی بهایان طهران - ایران ۱

« مجله اطفال ملکوت که شماره اخیر آن هم اکنون از جانب عضو فعال و
پیشقدم خستگی ناپذیر آن جمع یعنی میس ربارتز دریافت گردید در قلب این مستمند
چنان انوار نویسی از امید و طمینان مشتعل ساخت که مرا بر آن داشت بار سال
این پیام محبت و اعتماد نسبت بهم عطیمی که در آیه ایام در خدمت امر حضرت رب الانام
انجام خواهند داد مبادرت نمایم .

این مسله حائز نهایت اهمیت و ضرورت است که این نخستین و یگانه نشریه
جوانان بهانی در سراسر عالم در کلیه لوائح و تحریرات خویش این کیفیت را در روح
خوانندگان و بالاختص در محمده طر طفل بهانی ایجاد نماید تا فرصت های مخصوصه
و مسئولیت های آتیه خویش را نسبت بوطنیه خطیری که در استقبال ایام در انتظار

اوست بخوبی احساس نماید و دقیقاً بموقع عمل و اجر اگه ارد
وظیفه این نشریه آن است که نسبت بایجاد و پیشرفت و انعکاس فعالیتهای
مختلفه نسل حاضر در سراسر عالم جهانی اقدام و روابط محبت و علاقه قلبی بین ابناء
حضرت عبدالبهار را در شرق و غرب تقویت و تحکیم نماید و در مقابل دیدگان آنان
دورنمای آتیه ذہبی را ظاهر و آشکار سازد و نیز باید از ہم اکنون که در عنوان جوانی
هستید لزوم استقرار و تاسیس اساس محکم را برای اجرای مأموریت و رسالت ایشان
در دوره حیات در قلوب القاد نماید و در اذهان روشن و مجسم سازد .

من شما را مطمئن و متیقن میارم که امر اطفال ملکوت که مورد علاقه و محبت
شدید حضرت عبدالبهار و محل عنایات و الطاف لانهایه آن مولای کریم بوده هم اکنون
در قلوب ما عزیز و کمال قوت مستقر و جاگیرین است از شما که اخلاف پیشروان
شجاع این نهضت جهانی هستید امید و انتظار موفقیت در انجام وظیفه ای که آنان
کمال شرافت آغاز نموده اند در نهایت قوت موجود و محسوس است و آن وظیفه
خدمت بعالم انسان و نجات ابناء نوع از هر قبیله و قوم است .

این عهد بسم خویش در برابر خدمت و معاضدت در حق شما و عا نماید و در اوقات

توجه و مناجات در اعتبار مقدمه تلاشه برکات و الطاف و مواهب و عطا
 حضرت بهاء اندر انخواستار کرد و از آن ساحت اقدس کمال اشتیاق طلب نماید
 که در ایام پرشور و انبساطی که در پیش است شمارا نماید فرماید تا ملکوت آن حضرت
 را تاسیس و کلمه مبارکه اش را محقق و آشکار سازید امید است مجله شما حصول این ^{فقیست}
 را در قلوبتان الهام نماید . (ترجمه)

(از لوح مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۳ حضرت ولی امر آنده خطاب
 بمجله اطفال ملکوت توسط آ. م. م. رباژنز. باسن. ماساچوست
 ایالات متحده امریکا .)

« حضرت عبدالبها پیوسته نهایت اهمیت را برای تربیت اطفال قائل بودند
 موقع را منتظم شمرده شمارا نسبت بموقعیت درخشانی که در میدان خدمت حاصل
 نموده اید تبریک و تهنیت میگوئیم امیدواریم این حرکت و قیام شماروزی کمال
 شدت بجانب شرق که بحد اعلیٰ نیازمند انگونه اقدامات است انبساط یابد . » (ترجمه)
 (از توفیق مورخ ۹ اپریل ۱۹۲۵ که از طرف حضرت ولی امر آنده
 یکی از افراد اجناسکاشته شده است .)

« در باب سوالی که از محضر مبارک نموده اید که آیا بر باریت ارض اقدس شتافته
 و یا مصارف سفر را برای تأمین مخارج فرود جوانی که تحت تربیت شماست ختم

و هید حضرت ولی امر الله مقرر فرمودند شما ابلاغ گردد هر چند حرکتان
بارض اقدس باین نهایت مسرت برای ایشان و همچنین اعضا عالمه مقدسه است
که شمارا در بیت مبارک حضرت عبدالهبار پذیرانی نموده و از عنایات و مواب
لا تحصای مولای عظیم در داخل و حول ضریح مقدس معصیت یکدیگر استفاضه گردد
معدلت در نظر مبارک این امر محترم و پر ارزشتر است که با مخارج منظوره مساعدت
لازم نسبت ب جوانی که تربیت وی را بر عهده گرفته اید مبذول دارید مهیکل طهر
این نظر را با توجه تام به بیان پر عظمت جمال اقدس الهی جل ذکره الاصلی عظام
مینمایند که میفرماید هر نفسی سرزند خویش یا فرزند دیگری را تربیت نماید مانند
آنستکه یکی از ابناء آن حضرت را تربیت نموده باشد . (ترجمه)

د از بوقیع مورخ ۲۹ می ۱۹۲۵ که از طرف حضرت ولی امر
یکی از افراد اجناسکاشته شده است .

« از جمله وظائف مقدسه محافل روحانیه تعلیم معارف . تاسیس مدارس
و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عموم بنین و بنات است . هر طفلی
من دون استثنا باید از صغیر سن علم قرانت و کتابت را کمالاً تحصیل نماید
و بحسب میل و رغبت بقدر استعداد و استطاعت خویش در اکتساب علوم

عالیه و فنون نافعه و لغات مختلفه و حرف و صنایع موجوده مهت و سعی موافق
مبدول نماید .

اعانه و دستگیری اطفال فقرا، در کسب این کمالات علی الخصوص در تحصیل
مبادی اولیه بر اعضا، محافل روحانیه فرض و واجب و از فرائض مقدسه و جدیه
امنای الهی در جمیع بلاد محسوب - ان الذی ربی ابنه او ابنا من الابرار کانه ربی

احد ابنا فی علیه بهمانی و عنایتی و رحمتی الی سبقت العالمین .

رازلوح مبارک حضرت ولی امرالله موعز هشتم جون ۱۹۲۵
خطاب مجلس مرکزی کشور مقدس ایران .

« حضرت ولی امرالله بنیهایت مشتاقند از نقشه هائی که شما برای تربیت اطفال
خویش ختیار نموده اید مستحضر گردند . بهیکل مبارک را امید چنان است که اطفال
کلاً در ظل امر بهانی وارد و در حداد سپیروان پرا حترق آئین برزدانی محسور شوند
خادمین برارنده آستان مقدس گردند و ناطقین فصیح و بلیغ در مسائل ندیهی

و اجتماعی بار آیند . « ترجمه
راز توفیق موعز ۲۴ دسیمبر ۱۹۲۵ که از طرف حضرت ولی امر
یکی از افراد اجبا نگاشته شده است .

« از نحوه شگفت انگیزی که فرزندان شما نسبت با بلیغ امر الهی در محاضر عمومی

اختیار نموده اند از مجاری مختلفه استحضار حاصل گردید حضرت ولی امر آن
 امیدوارند که هر سه آنان ناطقین قابل وفدا کار امر الله گردند و در تحایق مرطوب
 باین امر عظم و موضوعات مشابه آن به بحث و گفتگو پردازند برای اجرای
 این منظور بنحوائم و احکام آنان را احتیاج با ساسی محکم و متین از تعلیمات علمی
 و ادبی است که خوشبختانه در بسیل تحقق آن سالک و ثابت اند. برای جوانان
 بهائی از ذکور و اناث تعلیم کامل در دانشکده ها که صاحب مقام و مقننیت
 عالی هستند همانقدر دارای اهمیت و ضرورت است که تعلیم و تربیت در
 در مسائل روحانی لازم و متعمق میباید باشد جنبه فکری و روحانی هر جوان بهائی
 قبل از آنکه بتواند بنحوائم کل در دایره خدمات امریه وارد گردد باید مورد بسط و
 تقویت قرار گیرد.

حضرت ولی امر الله در حاشیه توفیق مرقوم فرموده اند :

«... من خصوصاً در حق اطفال عزیز شما دعا میکنم که آنان نیز با نقشه دقیق

از تعلیمات و رهبریهایی صحیح و روشن در آیامی که در پیش است امر الهی را بنحوائم

کامل و موثر خدمت نمایند. آنان را استعداد و قابلیت سرشار موجود است

و دعای من آنست که یک تربیت خاص ایشان را موفق سازد که این استعداد
و قابلیت را در نشر آئین رحمانی و ابلاغ کلمه یزدانی مصروف دارند. « ترجمه »
از توفیق نورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۲۶ که از طرف حضرت ولی امر است .
یکی از اسناد اجناس گاشته شده است .

« باید یاران الهی در خیرات و مبرات و ترویج منافع عمومی و تقسیم مصالح
جمهور از جمیع طوائف من دون ترجیح و استثناء سبقت از کل یابند و مشارک بالبنان
گردند . ابواب مدارس و معاهد علمی و ادبیه خویش را بر وجه اطفال و جوانان
غیر بهائی که محتاج و فقیرند مجاناً باز نمایند .

... ثانی تعمیم معارف و ترویج آداب و شعائر و احکام بهائیه است باید بقدر
مقدور در این ایام که ملت از خواب غفلت بیدار گشته و حکومت در فکر ترفیع و
توسعه مؤسسات علمی خویش افتاده نمایند گان بهائیان در آن سامان چنان
قیامی نمایند که با اثر هم عالیه آنان در هر تشریح و قصبه و بلده ای از کافه ایالات
و ولایات تمهیدات اولیه از برای تاسیس معاهد علمی و ادبیه و دینیه مجری گردد
و اطفال بهائی من دون استثناء مبادی قرانت و کتابت را بیاموزند و با آداب
و رسوم و شعائر و احکام مخصوصه کتاب الله مانوس آشنا گردند و در علوم و مبادی

و فنون عصریہ و اخلاق حمیدہ زکیہ و آداب و شعائر بہائیہ چنان ممتاز از سایرین
گردند کہ عموم طوائف از اسلام و زردشتی و مسیحی و کلیسی و بیعی اطفال خویش را
بطیب خاطر و رغبت تمام در آن معاہد عالیہ بھبائیہ گذارند و بدست مریبان
بہائی سپارند و بچنین اجرا و تنفیذ احکام منصوصہ کتاب اللہ است .

از ترویج حضرت ولی امر اللہ مونیخ جنوری ۱۹۲۹
خطاب باجای شہق ۱۰

« مکتوب مختصر و موثر شما کہ حضور حضرت ولی امر اللہ معروض داشتہ بودید و اصل
گرویدہ بیکل مبارک بادقت و علاقتہ تام آنرا ملاحظہ و باین عہد دستورش نمودند
از طرف آن حضرت اظہار شکر و اقتنان کرد و امید و طید آنست کہ باہمت
و شپسکار فراوان تحصیلات عالیہ خود را تعقیب خواہد نمود . نظر باینکہ شما
بیک فرد بہائی در ظل امر اللہ مستظلیہ البتہ بر این حقیقت واقفید کہ حضرت بہاء اللہ
تعلیم و تربیت را یکی از مهمترین عوامل اساسی از برای ظهور مدنت حقیقی محسوب
فرمودہ اند . این تعلیم و تربیت برای اینکہ کامل و متمرثر باشد باید طبعاً جامع
شرائط لازمہ بودہ و نہ تنها جنبہ جسمانی و عقلانی انسان را در مد نظر داشتہ باشد
بلکہ وجہہ های روحانی و اخلاقی او را نیز تقویت و تکمیل نماید این است برنامہ

جوانان مجبانی در سراسر عالم انسانی . « ترجمه ۱

د از تو قیغ مورخ نهم جولای ۱۹۳۱ که از طرف حضرت ولی امر است
یکی از اسناد اجتنابناشته شده است .

« امید چنان است که عنقریب اهل بهار را موجبات چنان فرحسم کردد
که مکاتبی جهت تربیت عقلانی و روحانی اطفال بنجومی که در آثار و الواح حضرت
بها، الله و حضرت عبدالبها مقرر گردیده است تاسیس نمایند . « (ترجمه ۱)

د از تو قیغ مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۱ که از طرف حضرت ولی امر بمجل
روحانی ملی بهایان ایالات متحده امریکا و کانادا نگاشته شده است .

« حضرت ولی امر الله از استحضار بر این امر که شما برای تربیت اطفال
اهمیت مخصوص قائلید بسیار خوشوقت و مسرور گردیدند زیرا هر چه آنان در مرا
اولیه عمر کسب نمایند اثراتش در بقیه دوران حیات باقی و برتر خواهد ماند
و جزئی از صفت و طبیعت ایشان خواهد گردید .

کتاب مخصوصی که مورد توصیه و سفارش میکل مبارک قرار گیرد موجود نیست
بر عمده اجتمایی پیشین است که مجموعه ای مناسب موضوع ترتیب دهند و با او
این امر بالمال تألیف مورد نظر بنحوا حسن بدست خواهد آمد .

حضرت عبدالبها نسبت بحفظ الواح حضرت بها، الله و حضرت اعلی و بنظر

سپردن آنها توجه مخصوص مبذول میداشتند در آیام مبارک روش عمومی طفلان
عالمه آن بود که الواح را از حفظ نمایند هر چند اکنون بسر حد رشد رسیده و وقت
چنین اقدامی موجود نیست مع الوصف نفس عمل بسیار مفید است زیرا بدین طریق
حقیقت و روح کلمات در قلوب و اذهان اطفال منعکس و مرکوز خواهد گردید .
همچنین میتوانند از کتاب « مطالع الانوار » که در اختیار شماست حکایات
و سرگذشت های جالب و مفید در باب آیام اولیه امر که استماع آنها مورد
علاقه مخصوص اطفال است تنظیم نمایند همچنین قصص و روایاتی از حیات حضرت
مسیح و حضرت محمد و سایر انبیای الهی موجود است که اگر برای اطفال بیان شود
بهر نوع اوهام و تعصبات مذهبی را زایل خواهد نمود اوهام و تعصباتی که ممکن است
از افراد ساکن خورده که دارای عرفان محدودتری هستند فرا گرفته باشند .

انگونه حکایات راجع بحیات انبیای گذشته همچنین بیانات ایشان برای
درک بهتری از آثار و ادبیات امریه نیز مفید و لازم خواهد بود زیرا پیوسته
ذکر آنان در آثار مبارکه موجود و بان خطابات و بیانات اشاراتی بعمل آمده است
در هر حال این وظیفه نفس با تجربه است که این مسائل را با یکدیگر تالیف نموده

و از مجموع آنها کتب قرائتی مفید برای اطفال ترتیب دهند .

تدریج در ظل امر الهی نفوسی ظاهر خواهند گردید که در رفع این حوائج قدم خواهند نمود فقط موضوع ماضی زمان در بین است آنچه اکنون تکلیف است آنست که افراد مختلفه را که قدرت و استعداد انجام چنین وظیفه ای را دار

استند تشویق کنیم و آنان را بخدمت بگماریم . « (ترجمه)

را از توفیق مورخ ۱۹ اکتوبر ۱۹۳۲ که از طرف حضرت ولی امر است
یکی از اسناد اجتناکاشته شده است .

« حضرت ولی امر است از حصول اطلاع بر این کیفیت که یاران چنین توجه عظیم نسبت به تعلیم و تربیت اطفال بهائی مبذول میدارند بی نهایت مشغوف و خرسند گردیدند . بدون تردید تعلیم جوانان دارای اهمیت فراوان است زیرا این امر معرفت آنان را نسبت بآئین الهی متراژد ساخته قوی و استعدادشان را در مجاری مفید و پر ارزش معطوف میدارد مع الوصف نظر بانیکه مصارف ملی امر است در امریک روز بروز رو باز دیاد و فزونی است اعضا آن بجهت باید بسیار متوجه باشند که دامنه فعالیتشان بجا و راه منابع مادی خویش منبسط نگردد نقشه ای که از طرف آن بجهت اختیار گردیده نباید بدرجه ای وسعت یابد که در راه

پیشرفت و ترقی امر مشرق الاذکار اشکالی ایجاد نماید . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امر الله
باعضای کمیته تعلیم و تربیت اطفال نگاهشده و در اخبار امری شماره ۷۷
مورخ سپتامبر ۱۹۳۳ صفحه ۴ درج گردیده است .

حضرت ولی امر الله خصوصاً مایلند که شما توجه خویش را تماماً به تربیت
فرزندان معطوف دارید تا آنان اسیر اصدق و باوفا و فعال بهائی بار
چشم انتظار جامعه بنگر و یاری جوانان دوخته شده بنا بر این وظیفه مقدس
والدین است که اطفال را بشون و آداب کامل بهائی تربیت نمایند . « ترجمه

از توفیق مورخ ۳۱ می ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امر الله
یکی از اسناد اجرائی نگاهشده است .

« امر بهائی ... طرفدار و مدافع تعلیم اجباری است ... » (ترجمه)

از توفیق مورخ ۱۷ جون ۱۹۳۳ که حضرت ولی امر الله خطاب
بمذوب سامی فلسطین مرقوم نموده اند .

حضرت ولی امر الله از استحضار بر این امر که اوضاع مادی شما رو به بهبودی

و گشایش است بی نهایت مسرور شدند و قلباً امیدوارند که این وسعت معیشت

برای شما فرصتی فراهم نماید که بهترین وسائل تعلیم و تربیت را برای ... و

... آماده سازید بخومی که در فاصله بالنسبه کوتاه خدام فداکار و مبارز مرشد گردند

مسئولیت شما از لحاظ مقام مادری مخصوصاً یک مادر بهائی که وظیفه مقدس
او توجه نسبت بر تربیت و تهذیب اخلاق اطفال در حدود و شئون بهائی است
فی الحقیقه شدید و عظیم است امید است که با عنایت و هدایت حضرت احدیت

با صبر ای و ظائف همه خویش کاملاً مؤید و موفق گردید . (ترجمه)

راز توفیق مورخ ۲۲ جولای ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امر است

یکی از اسرار اجتناکاشته شده است . ()

« حضرت ولی امر الله از مندرجات نامه ... شما مشعر بر کیفیت شدیدی که
رقار و سکنات دخترتان همچنین ارتباط و وضعیت عمومی مشارک ایها نسبت با
الهی ایجاد نموده است بنیابت متأثر و محزون گردیدند ...

هر چند حدوث این امر فی الحقیقه مایه تأسف و تأثر است و بهیچ مبارک
از انعکاسات نامناسبی که ممکن است در این باب نسبت بانین رحمانی ایجاد
گردد کاملاً مستحضر و واقفند معذک احساس ایشان آن است که جز عشق و محبت
مادرانه همچنین تذکرات و نصایحی که از طرف شما و سایر دوستان الهی بوی
القا شود هیچ امری نمیتواند اثرات این پیش آمد را خنثی نماید و این درد شدید
کاملاً صلاح و درمان گردد بعلاوه باید صبور و مطمئن باشید که مساعی شما در این زمینه

باتائیدات و عنایات حضرت بہار اللہ تقویت و ہدایت خواہد کردید .
 یقیناً ادعیہ شما بساحت اقدس متصاعد و مسؤل شما اجابت خواہد شد و آرزو
 و انتظار مان نسبت بروحیہ صبیہ ہمچنین نسبت بامر الہی بتدریج رویتحقق کامل خواہد
 نابراین حضرت ولی امر اللہ توصیہ میفرماید کہ پیچگونہ عمل تند و شدید نسبت
 بخصور دخترتان در مجامع تشبث ننمایید ... چہ کہ از طریق طامیت امید و انتظار
 بشری راجع باصلاح رفتاروی موجود است تاہر اقدام دیگری کہ بزور و شدت
 عمل منتہی گردد . عشق و محبت نسبت باصلاح اخلاق و تعدیل رفتار بشری
 از ہر تنبیہ و مجازات مؤثرتر و نافذتر است .

حضرت ولی امر اللہ مطمئن اند کہ بدنیوسیلہ با ایجاد یک تغییر اساسی در
 حیات روحانی دخترتان بتدریج موفق خواہید شد و اورا بفردی صدیقتر
 و باایمانی عمیقتر مبدل خواہید ساخت ہمیل مبارک بنہایت اشتیاق در حق او
 دعا نمایند کہ کلاماً باین مقام فائز گردد .» (ترجمہ)

از توجیح مورخ ۲۶ جنوری ۱۹۳۵ کہ از طرف حضرت ولی امر
 یکی از اسناد اجابہ نگاشته شدہ است .

« حضرت ولی امر الله در این امر اشکالی ملاحظه نمی فرمایند که اشاره ای
نسبت باین حقیقت بعمل آید که کلاسهای تعلیم و تربیت و کنفرانسهایی که اکنون بآرا
به تشکیل و اداره آنها مبادرت مینمایند ممکن است در مستقبل آیام توسعه و تکامل یافته
بصورت دوائر تربیتی و یا مؤسسات آموزشی که بعداً در ظل نظم اجتماعی جهانی
تأسیس خواهد گردید جلوه و ظهور نمایند. » (ترجمه)

(از توفیق مونیخ ۱۲ جولای ۱۹۳۸ که از طرف حضرت ولی امر
یکی از اسرار اجتناکاشته شده است.)

« راجع به نقشه و روشی که اتخاذ نموده اید حضرت ولی امر الله کاملاً نظریه شما را
تائید میفرمایند که هر اندازه احتیاجات و مقتضیات تبلیغی فوری و حیاتی باشد
نباید بیسوجه من الوجوه از تعلیم و تربیت فرزندان خود داری کرد زیرا نسبت
بآنان وظیفه و تعهدی موجود است که مقام و اهمیت آن از تعهد و مسئولیت شما
نسبت بجامعه امر کمتر نخواهد بود. »

« هر نقشه و تصمیمی اختیار نمائید که این دو وظیفه مهم یعنی خدمت بعالله و خدمت
بامر الهی توأم گردد و شما اجازه دهد اقدامات مجددانه ای در سبیل تبلیغ همچنین در
توجه و مراقبت اطفال سنجوی که آئینه انان در این رحمانی بخطر نفیقه، معمول دارید

این تصمیم با تصویب کامل و موافقت قلبی حضرت ولی امر الله مقارن و مواجبه است.

از تویع مورخ ۱۷ جولای ۱۹۳۸ که از طرف حضرت ولی امر

یکی از اسناد اجتناکاشته شده است .

حضرت ولی امر الله مقرر فرمودند بشما اطمینان دهم که بیکل مبارک بنحو خاص در حق اطفال شما دعای میفرمایند که بتأییدات و عنایات الهیه و تحت توجیه و سرپرستی محبت آمیز شما به قسمی تربیت و تعلیم یابند که بمعرفت و شناسائی کامل امر الله موفق گردند و برای آنان وسائل و موجبات روحانی چنان فراهم آید که در آتیه ایام بوضع مؤثر و صادقانه ای بخدمت امر الله پردازند و در پیشرفت مصالح آن اقدام لازم معمول دارند .

یقین است بعنوان یک مادر بهائی مسئولیت مقدس و سنگینی برای رشد و نمو روحانی آنان در امر الهی متوجه شماست و از این تاریخ باید سعی بلیغ مبذول دارید که در قلوب ایشان عشق و محبت حضرت بهاء الله را القاء نمایند و آنان را برای عرفان و شناسائی کامل مقام مقدس بهنگامی استعداد و موقعیت سنیشان تحقیق این امر را اقتضا نماید استعداد و آماده سازید . « (ترجمه)

را از توفیق مورخ ۲۰ اپریل ۱۹۳۹ که از طرف حضرت ولی امر است
یکی از اسناد اجتناکاشته شده است .۱۰

« راجع بفعالیت شما نسبت به تعلیم و تربیت اطفال بهائی لازم بتذکر
نمیت که حضرت ولی امر است برای اینگونه فعالیت ها که قدرت و سعادت
و رشد و ترقی جامعه لزوماً بدان مربوط و معلق است چه مقام و اهمیت حیاتی
قابل میباشند . چه اقتیاری مقدس و چه مسئولیتی عظیمه از قیام تربیت نسل جدید
بایران و القاد اصول و تعالیم امر است در اذمان و افکار جوان و مستعدان
است تا بدین طریق در اجرای وظائف شایسته و انجام مسئولیت های خطیره
و تعهدات حیاتی آتی خویش در ظل جامعه بهائی سجد کمال آماده و مستعد گردند .»

را از توفیق مورخ ۲۸ اپریل ۱۹۳۹ که از طرف حضرت ولی امر است

یکی از اسناد اجتناکاشته شده است .۱۰

« شما اطلاعات کاملی راجع به برنامه تربیت بهائی از حضرت ولی امر است خواستار
شده بودید هنوز چنین موضوعی که آنرا برنامه تربیت بهائی نام نهاد موجود نیست
و هیچیک از نشریات بهائی مختصراً باین مسنده اختصاص داده نشده است زیرا تعالیم

حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء، بک روش تربیتی مشخص و مشروحی را معرفی
 نمی نمایند بلکه بنحوی بساطت پاره ای اصول اساسیه را القاء و مقداری از اهداف
 و مآرب تربیتی را که باید در سنهای معلین آئیه تربیت و تعلیم بهائی واقع گردد اعلام
 می نمایند تا آنان بیک برنامه کامل تعلیمی که بتمامه با روح تعالیم الهی منطبق و هم تنگ
 باشد اختیار کنند و بدین طریق احتیاجات و نیازمندیهای عصر نوین را مرتفع
 سازند .

این اصول اساسیه در آثار و نوشتهجات مقدس امرالله مدقون و مسطور است
 و باید دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد و بتدریج در برنامه های مختلفه دانشکده ها و
 دانشگاهها وارد شود . اما وظیفه تنظیم بک روش تربیتی که رسماً از طرف امر
 الهی شناخته و در سراسر عالم بهائی مجری گردد امری است که بطور وضوح نسل
 حاضر بایران نمیتوانند در عهده گیرند بلکه باید کمربور زمان از طرف محققان و مرتبان
 بهائی در مستقبل آیام صورت تحقق پذیرد . « ترجمه »

را از توفیق مورخ هفتم جون ۱۹۳۹ که از طرف حضرت ولی امر الله

یکی از افراد اجانب نگاشته شده است .

« در باب بیانی که منتسب بحضرت عبدالبهاء است و شمار نامه خودتان راجع

بیک طفل ناملایم و صعب التربیة ، ذکر نموده اید این بیانات مبارک
 هر چند در اساس کامل و مقرون بحقیقت است ولی نباید هرگز آنها را
 تحت اللفظ تعبیر و تفسیر نمود . حضرت عبد البهارا بهیچوجه منظور آن نبوده که طفل
 را باید نخود و گنداشت و یا بالمره او را در شون جوش آزاد ساخت .
 فی الحقیقه تربیت بهائی مانند هر روش تربیتی دیگر مؤسس بر این نظریه است که
 پاره ای نواقص طبیعی در هر طفل و لو هر قدر صاحب استعداد باشد موجود است
 که بر بیان وی اعم از والدین ، استادان و یار نهانیان و معلمین روحانی باید
 در علاج آن سعی و مراقبت موفور مبذول دارند انتظام و روش صحیح بهر نوع جسمانی
 اخلاقی و یا عقلانی فی الحقیقه لازم و ضروری است و هیچ تربیتی را نمیتوان
 کامل و مفید تلقی نمود مگر آنکه این اصل اساسی در آن مرعی گردد . طفل پس از
 تولد از سرحد کمال بسیار دور یعنی نه تنها ضعیف و بیچاره است بلکه عملاً ناقص
 و حتی بالطبع متوجه شرور و مفاسد میباشد . بنابراین باید تربیت یابد تا ایلات
 طبیعی او هم آهنگ بل تعدیل و کنترل گردد و در صورت لزوم متوقف و نامنظم
 شود تا رشد و نمو جسمانی و ترقی و پیشرفت اخلاقی او تأمین پذیرد والدین بهائی

نمی توانند بسادگی یک حالت عدم مقاومت نسبت باطفال خویش در پیش
 گیرند خصوصاً اطفالی که بالطبع نا معلیم و شدیدند حتی این امر تنبہائی کافی نیست
 که ابویں در حق اطفالشان دعا کنند بلکه باید سعی و تمہت نمایند کہ کمال ایمت
 و شکیبائی شئون اخلاقی را در افکار جوانان القا نمایند و آنان را با حصول
 و تعلیم امریہ مانوس سازند و این امر را با چنان مهارت و توجہ عاشقانه
 انجام دهند تا بالمال « فرزند ان حستیقی الہی » گردند و سگان با وفا و بسیار
 ملکوت ابہی بار آیند این بہت مقصد بلند و نیت ارجمندی کہ حضرت بہاء
 بنفسہ المقدس در آثار مبارکہ تشریح و آن را ہدف اصلی و غایت قصوای ہر تربیت

مقرر فرمودہ اند . (ترجمہ)

در از توفیق مورخ ۹ جولای ۱۹۳۹ کہ از طرف حضرت ولی امر
 یکی از اسناد اجابہ نگاشته شدہ است .

« تربیت و پرورش یک طفل بہائی چنانکہ در آثار و الواح مقدسہ مکرر نمایند
 گردیدہ مسئولیت اساسی مادر است کہ یگانہ و وظیفہ وی ایجاد شہ انظمی در
 محیط خانہ میباشد کہ بنحو اتم و احسن سعادت و ترقی طفل ہم در عالم مادی و ہم
 در عالم روحانی مؤدوی گردد تربیتی کہ طفل در قدم اول از جانب مادر کسب مینماید

قویترین و محکمترین اساس برای پیشرفتہای آتیہ او خواهد بود بنا بر این مقصد اصلی
 و توجہ کامل قرینہ شما ... باید آن باشد کہ از ہم اکنون مجاہدت نماید کہ بفرزند
 جدید الولاوہ خویش چنان تربیت روحانی القا کند کہ وی را قادر بر آن سازد در
 آئیہ ایام مسؤلیت و تکالیف حیات بہانی را تمامہ بر عمدہ گرفتہ و نسبت بہ ہر ای
 آن سعی بلیغ مبذول دارد . « ترجمہ ،

را از تویح مورخ ۱۰ نومبر ۱۹۳۹ کہ از طرف حضرت ولی مہر
 یکی از افراد اجناسگاشتہ شدہ است .

« راجع بدختر کوچک شما ... حضرت ولی مہر اسد از استحضار بر این امر کہ تا چہ درجہ
 ہر دوی شما مشتاق و آرزو مندید کہ وی را بہ تربیت کامل بہانی تربیت نمایند
 بسیار مشغوف و امیدوار گشتند حضرتشان را اطمینان وافر حاصل است کہ تحت
 توجہ دقیق و خردمندانہ شما ہمچنین حفظ و ہدایت غیر قابل انقطاع حضرت بہائید
 این دختر بموقع خود در عداد یکی از خدمت گزاران صدیق و مخلص امرانہ وارد خواہد
 گردید . یا توجہ باین امر مہکل مبارک را حقیقہ چنان است کہ حسن و اولی
 آنکہ از اعزام طفل بیک مؤسسہ کمالاً کاتولیک خودداری نماید بلکہ اورا با دایہ
 و ششون روحانی و معنوی وسیع کہ بتواند در سنین بعد علت معرفت و تجلی کامل

روح امرانه کرد و تا ذیوب نماید . مادام که سعی و مراقبت مستمر شما بر آن است
که طفل در محیط مذهبی کامل پرورش یابد توجه شدید باین نکته نیست لازم و ضروری
است که وی را از کلیه عواملی که ممکن است در روحیه او تعصبات مذهبی ایجاد
و افق بصیرت روحانیش را مضیق و محدود نماید بر حذر دارید . « (۱) ترجمه

را از توفیق موزخ ۱۲ دسامبر ۱۹۳۹ که از طرف حضرت ولی امرانه

یکی از اسناد اجناسکاشته شده است .

« در باب مسئله تربیت اطفال با توجه بنا کیدی که از طرف حضرت بهاءانه

و حضرت عبدالبها نسبت بوظیفه والدین راجع تربیت اطفال در سنین اولیه

عمر بعمل آمده بنظر میرسد ارجح است که این تربیت در کانون عائله و بدست

مادران صورت گیرد نه آنکه اطفال به پرورشگاهها سپرده شوند . « ترجمه

را از توفیق موزخ ۱۳ نوامبر ۱۹۴۰ که از طرف حضرت ولی امرانه

یکی از اسناد اجناسکاشته شده است .

۱- این رأی مبارک نسبت یکی از دوستان که پاره ای مدارس از جمله مدرسه راهبات

کا تویک را برای تربیت دختر خویش در نظر گرفته اظهار کرده دیده است .

مسئله تعلیم و تربیت اطفال در موردی که یکی از والدین غیر بهائی باشد امری است که منحصر آن خود والدین بسگی دارد تا در این خصوص تصمیم لازم اتخاذ و راهی را که برای حفظ وحدت عالم و رفاه و سعادت آئینه اطفال حسن و اولی میسازند اختیار نمایند بهر تقدیر چون طفل بمرحلة بلوغ و اصل گردد باید آزادی کامل بوی اعطا شود تا دیانت خویش را بدون توجه با مال و احساسات والدین اختیار نماید . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ که از طرف حضرت ولی امر آنه بجن روحانی علی بهائیان هندوستان در برهنگاشته شده است .

« حضرت ولی امر آنه از حصول اطلاع راجع به هینت جوانان شما بسیار خرسند و مشغوف شدند . اطفالی که در دامن تعالیم عالمگیر حضرت بهار آنه تربیت یابند فی الحقیقه فصل جدیدی از اجتماع را تشکیل خواهند داد . بیکل مبارک را امید چنان است که این اسرار جوان خود را برای وظیفه بزرگی که در مستقبل ایام با آن مواجه خواهند کرد دید مستعد و آماده نمایند و آن مساعدت به تجدید بنای عالم بالهام و تائید از تعلیمات و اوامر مقتدره بهائی است . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۴۱ که از طرف حضرت ولی امر آنه بجن روحانی بهائیان هوبارت در استرالیانگاشته شده است .

« این اطفال بهانی در آتیه ایام دارایی ارزش و اهمیت بسیار عظیمند. آنان در اوقاتی زسیت خواهند نمود و با وسائلی مواجه خواهند گردید که هرگز اولیاً آنها با اینگونه مسائل برخورد نموده اند. تنها امر الهی است که میتواند آنان را بشر الطی مجهز نماید که احتیاجات آینده عالم بشریت را که از محاربات خسته و ملول و افسرده و غیر راضی است بخومی شایسته و مطمئن مرتفع سازند بنا برین وظیفه سنگین و پرسوئیتی متوجه آنان است و آنچه نسبت پرورش و آماوگی آنها بذل سعی و اهتمام گردد بجا و بموقع خواهد بود. » ترجمه

داز تویع مون ۱۱ جنوری ۱۹۴۲ که از طرف حضرت ولی امر است

یکی از اسرار اجناس گناشته شده است .۱۰

« حضرت ولی امر الله را عقیده چنان است که احسن و ادلی آنکه مادران اطفال بهانی و یا بهیئت مخصوصی که آن محل مأمور خواهد نمود و وظیفه اشخاص است از کلمات مقدسه را در عهدگیه نذنا اطفال آیات مذکور را بجای عبارت و ترکیبات سازه مورد استفاده قرار دهند . بدیهی است دعا و مناجات امری قلبی و حاکی از احساسات و عواطف درونی و وجدانی است ولی بسیار از اذکار و افکار در آثار بهانی برای بیان ادعیه و مناجات موجود است که

جذب آنها بسیار آسان و کلمات منزله فی حد ذاته دارای تاثیر و قوت مخصوص

است . . .
از توفیق مورخ ۸ اگوست ۱۹۶۲ که از طرف حضرت ولی امر است
بمحل روحانی علی بهائیان جزیره بریطانیای کبیر نگاشته شده است .

در شما اطفال و جوانان بهائی هر دو اقتیارات و تعهدات بزرگ در پیش دارید
زیرا نسل کنونی انفرادی خواهند بود که باید پس از اختتام سالهای مفید و خنک حاضر
برای تائیس عالمی جدید بوضع بهتر و شکوهمندتر بذل سعی و اهتمام نمایند شما باید
خود را برای انجام این وظیفه خطیر آماده و مهیا سازید یعنی جهد نمایند مفهوم حقیقی
تعالیم الهیه را ادراک کنند نه آنکه صرفاً بعنوان مطلبی که بشما تعلیم داده شده است پس بپذیرند
این تعالیم مثابه عالم نوینی از افکار و حقایق شگفت انگیز است که حال آغاز ظهور و
بروز و استفاده از مزایای آن است . چون باین اصل توجه نماییم که حضرت
بهاء الله احکام و تعالیم خویش را برای مدت الف سنه مقرر فرموده اند بخوبی درک
خواهیم نمود که هر نسل نوینی از آثار و بیانات مبارکه حقیقت و مفهومی بدست خواهد آورد
که از آنچه نسلهای گذشته ادراک نموده اند براتب و وسیعتر و عظیمتر است . « ترجمه

از توفیق مورخ ۱۶ اکتوبر ۱۹۶۲ که از طرف حضرت ولی امر است
از اجابت نگاشته شده است . .

در حضرت ولی امر الله در تذکرات خودشان بنحانم ماکسول در باب روابط
والدین و اطفال همچنین زنان و شوهران در امریکا مقصد و مرادشان است که در
آن کشور یک حالت و تمایلی برای اطفال بوجود آمده که میخواهند از افکار و مآثر
والدین خویش بکلی مستقل بوده و تکریم و احترامی را که درخورشان و مقام آنان
است از نظر محو نمایند . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۲۲ جولای ۱۹۶۳ که از طرف حضرت ولی امر
یکی از اسناد اجتناکاشته شده است .

« رابع به سوال شما در باب نزاع و جدال اطفال ؛ بیان حضرت عبدالبها که
میفرماید در مقام مخالفت و مقابله بمثل بر نیایند نباید سخوی تلقی گردد که اطفال بهانه
مستند شوند که باید مورد تعدی و اجحاف و محل تهدید و اعتراض قرار گیرند
در چنین موارد اگر بتوانند راهی در پیش گیرند که اختلاف بدون دفاع و معاضدت
شخصی مرتفع گردد البته باید بهمان شرع عمل نمایند . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۱۱ می ۱۹۶۵ که از طرف حضرت ولی امر
یکی از اسناد اجتناکاشته شده است .

« از حضرت ولی امر الله راجع بنحشیه الی سوال نموده بودید شاید یاران متوجه
این حقیقت نیستند که نعوس انسانی برای حفظ انتظام در رفتار و کردار خویش کثیر

بخشیه اند نیارنند مگر معدودی قلیل که صاحب ترقیات روحی عظیم بوده و
صرفاً عشق و محبت یزدانی محرک اعمال و افعال ایشان است .

بیم مجازات و خوف از عقوبت الهی در صورت ارتکاب معاصی برای تثبیت
اقدام نفوس در صراط مستقیم لازم و ضروری است . یقین است وجود ما باینست
بخداوند تعالی مشغون از عشق و انجذاب باشد ولی خوف الهی را نیز بایستی
در قلوب استقرار دهیم همان نحو که طفل از غضب و تنبیه واقعی والدین در خوف
و هراس است این توجه و تذکر نباید چون دہشت و وحشت در برابر یک فرد ظالم
تلقی گردد بلکه سزاوار است الطاف و عنایات رحمانیه را کامل و آن را ما و راه

داد و معدلت الهیه بشناسیم . « (ترجمه)

راز توفیق متون ۲۶ جولای ۱۹۶۶ که از طرف حضرت ولی امر
یکی از اسناد اجتناکا شده است .

« حضرت ولی امر الله از استماع این خبر که فرزند کوچک شما دارای رشد و
نمورضایت بخش نیست بسیار متأثر اند . عده بسیار قلیلی از اطفال فی الحقیقه
دارای وضعی غیر متناسب میباشدند . اطفال مذکور پاره ای اوقات دارای
خصصیات پچیده و مفصل بوده و برای تربیت آنها تدابیر حکیمانانه شدید لازم

است تا افرادی طبیعی خلیق و دلشاد بیارایند . اگر احساس میکنید
که طفل فی الحقیقه از حضور در مدرسه فارغ‌المانگان را

استفاده خواهد نمود می‌توانید به آن مدرسه روانه دارید اما بنوعی عموم یاران
باید از اعزام اطفال بهائی بدارس متعصب مذهبی خصوصاً کاتولیک پیوسته
خودداری نمایند زیرا عقاید مذهبی آن قوم که نزد اهل سبب از عقاید سالفیه
و خارج از شئون و مقتضیات عصر حاضر شمرده میشود در قلب آنان نقش
خواهد بست . هیکل مبارک برای حل این مشکل خصوصاً دعا میفرمایند . (ترجمه)

از توفیق مورخ ۳۰ می ۱۹۲۷ که از طرف حضرت ولی امر الله یکی از
افراد اجناسگاشته شده است .

« راجع به سؤالاتی که از محضر مبارک نموده‌اید : اطفالی که هنوز قادر بر
خط یک مناجات کامل نیستند اشکالی نخواهد بود صرفاً پایه‌ای از جملات
آنها از بر نمایند .

هیکل مبارک را نظر بر آن نیست که یاران باید بیان شکرانه و دعا به‌کلام
تناول خدا را امری محرز و مقرر شمارند و یا آن را با اطفال بیاموزند . این کیفیت
از فرانسویانست بهائی شمرده نمیشود بلکه یک حادث و روش مسیحی است

و چون امر الله اجناس و مذاهب مختلفه را کلاً در برگیرد و باید متوجه باشیم که
 آداب و سنن سابقه خویش را در شرع الهی وارد ننماییم. حضرت بهائیه صلواتها
 یومیه همچنین ادعیه قبل از نوم و مسافرت و غیره را عنایت فرموده اند بنابراین
 ما باید از الحاق ادعیه جدیدی که مهکل اندس مشخص فرموده است در تکالیف
 امریه خود خودداری نماییم خصوصاً آنکه ادعیه بسیار برای مواقع معینه مقرر
 گردیده است.

اقدام شما برای تربیت اطفال یقیناً حائز اهمیت بسیار است. مهکل مبارک
 تا گنیه میفرمایند که خدمت خود را بهین نحو ادامه دهید. « (ترجمه)
 از توفیق مونیخ ۲۷ سپتمبر ۱۹۶۲ که از طرف حضرت ولی امر الله
 یکی از افراد اجناس گاشته شده است. ۱۰

« در باب سؤال شما: حضرت ولی امر الله را عقیده بر آن است که این امر
 موضوعی است که اتخاذ تصمیم نسبت بدان مربوط به شخص شما و همسرتان است
 خصوصاً از نظر وضعیت مشارالیه در قبال امر الهی اطفال مادام که صغیرانند تحت
 اختیار و حاکمیت والدین میباشند و شما هر دو حقوق و مسئولیت متعددی راجع

باتیه آنان بر عهده دارید . (۱)

از توفیق مورخ ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ که از طرف حضرت ولی امر الله

یکی از اسناد اجابگذاشته شده است .

« هر فرد بهائی اعتم از صغیر یا کبیر میتواند تبرعاتی بصندوق اعانات اقمیر

نماید هیچ دستور و بیان مخصوصی در این باب ضرورت ندارد . اطفال بهائی

پیوسته در هر محل و جوی با مر اهدا نموده اند . در یک کلاس که اطفال غیر بهائی

حضور دارند هر وضعیتی پیش آمد نماید بر عهده آموزگار کلاس است که نسبت

بحل آن اقدام کند . هیچگونه قرار و قاعده ای در اینگونه موارد نمیتوان وضع

نمود . » (ترجمه)

از توفیق مورخ ۱۸ اگوست ۱۹۶۹ که از طرف حضرت ولی امر الله بمحل

مدعانی ملی بهائیان ایالات متحده امریکانگذاشته شده است .

« نظریه صغرستان نکنید و تصور ننمایید که نمیتوانید بخدمت امر الهی پردازید

و ابلاغ کلمه نمائید . خیر با ارائه حالات خود و جلب توجه مردمان باینکه بهتر و

و هوشیارتر از اغلب اطفال دیگر هستید میتوانید تبلیغ کنید و افکار را بعالم امر

متوجه و معطوف سازید . » ترجمه

۱- رای مبارک در جواب پریشانی نسبت بصحور اطفال از والدین بهائی در مدارس کیشنه غیر بهائی صادر گردیده است

« اصل کلی ... بر آنستکه صدور درخواست جهت معافیت از حضور در جلسات
مدرسه در ایام متبرکه که بهانی مقبول و مستحسن است این امر برای کلیه اطفال بهانی
در هر مرحله از عصر صادق است. اطفال که از والدین بهانی میباشند و
نشانی از پانزده سال کمتر است بهانی شمرده میشوند.

آنچه والدین بهانی و یا محفل شما باید در این باب اقدام نمایند آنستکه به
مدیره مدرسه مراجعه و تقاضا نمایند اجازه داده شود اطفالشان در ایام متبرکه که
بهانی از حضور در مدرسه معاف باشند پس هر تصمیمی از طرف هیئت مدیره
اتخاذ گردید نسبت بان تصمیم تسلیم باشند و هیچگونه تلاشی برای تنفیذ مسئول نباشد

معمول ندارند. » (ترجمه)

از توفیق مورخ ۱۹ اگوست ۱۹۵۲ که از طرف حضرت ولی مآب

بلی از اسناد اجناسنگاشته شده است. (۱۰)

« حضرت ولی محبوب امر الهی نهایت از استحضار بر موفقیت مؤسسه جهت
تعلیم و تربیت اطفال سرخ پوست مسرور و مشغوف گردیدند. بنظر مبارک این
اقدام روش بسیار پسندیده ای نسبت با تعالایم الهیه در قلوب و افکار اطفال
جوان است تا بتدریج رشد و ترقی نموده مردان و زنان نیک و مندی ببار آید

و بخدمت امرانه پروازند همکل مبارک را امید چنان هست که در ظل این مهتوم

توانند بعضی از والدین را نیز بعالم امر نزدیک نمایند . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۱۸ فروری ۱۹۵۴ که از طرف حضرت ولی امرانه
یکی از اسناد اجابت نگاشته شده است .

« حضرت ولی امرانه برای ترقی و پیشرفت روحانی فرزندان عزیز شما دعا نمایند

آیه امر الهی بر شان جوانان امروز مستقر و مؤسس است بنابراین باید آنان تربیت

و تعلیم صحیح یابند و آن نه تنها در مورد تعالیم این امر اعظم است بلکه شامل کمالات

و فضائل صوری و مادی نیز خواهد بود . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ۲۴ می ۱۹۵۴ که از طرف حضرت ولی امرانه
یکی از اسناد اجابت نگاشته شده است .

« حضرت ولی امرانه از ملاحظه این امر که شما تربیت اطفال قائمیه بسیار

مسرور و مشوقند زیرا استقرار اساس مستینی از تعالیم الهیه در قلوب و افکار آنان

شده و موجب خواهد گردید که صفات و روحیات ایشان طبق اصول مکتبیه شکل

شود و در حین بلوغ در عداد انفس سلیمه و افراد مومنه خدمت گزار در آیند . « (ترجمه)

از توفیق مورخ ششم یانچ ۱۹۵۵ که از طرف حضرت ولی امرانه
یکی از اسناد اجابت نگاشته شده است .

« در باب توضیح خشیه الله با اطفال اشکالی نیست که آنرا در لباس تمثیل چنانکه

حضرت عبدالبہاء غالباً در بیان حقایق بذکر امثال مسیہ دانتند تعلیم نمایم .
 باید باطفال تفہیم نمود کہ ترس ما از خداوند بعنت آن نیست کہ اورا ظالم و یا سیرحم
 می شماریم بلکہ ہم ما از حبت عدل و داد الہی است کہ اگر عمل خلافی مرتکب شویم
 کہ مستوجب عذاب و عقاب باشد حق تعالی بمقتضای عدالت خویش ممکن است
 ما را مورد مجازات قرار دہد ما باید ہم خداوند را دوست داریم و ہم در قلوبمان
 خوف و خشیتہ ربانی مرکوز باشد . « ترجمہ »

از توفیق مورخ ۱۵ فروری ۱۹۵۷ کہ از طرف حضرت ولی مرتبہ
 یکی از اسناد اجناسا شتہ شدہ است .

ضمیمه
مستحبات از خطابات مبارک حضرت عبدالہیاء

« این اطفال چنانچه طبق تعالیم بھبانی تربیت شوند از بین آنان نفوس مبارکہ ای برخواہند خاست اگر نہالی تحت توجہ و مراقبت دقیق باغبان درآید نشوونمای کامل حاصل کند و ثمرہ مرغوب بارآرد . اطفال را باید از دوران طفولیت تعلیم صحیح نمود و بنحو منظم تربیت کرد تا روز بروز ترقی نمایند و بصیرت بیشتر حاصل کنند و دائرہ استعداد روحانیان وسیعتر گردد . از آغاز طفولیت باید تعلیم گیرند نمیتوان آنان را بوسیلہ کتاب چربی آخت بسیاری از علوم و مبادی مقدّماتی باید در پرورشکامہا برای اطفال روشن شود و بوسائل بازی و سرگرمی مسائلی را بایا موزند . اغلب افکار و معلومات باید ضمن صحبت و مذاکرہ تفہیم گردند نہ از راہ کتاب . یک طفل باید از طفل دیگر در بارہ این مواضع پرسش کند و طفل ثانی پاسخ گوید بدین طریق ترقی محسوس حاصل خواہد شد فی المثل مسائل ریاضی نیز بایستی بصورت سوال و جواب تفہیم گردد یکی از اطفال سوالی طرح میکند و طفل دیگر باید جوابگو باشد بعد از خود

اطفال میل و اراده خویش بایکدیگر رابع بهمان مسائل بحث خواهند نمود. اطفالی که در راس کلاس باشند بایستی جائزه و انعام دریافت دارند باید تشویق شوند و چون یکی از ایشان پیشرفت قابل ملاحظه ای ظاهر ساخت برای حصول ترقی بیشتر لازم است مورد تمجید و ترغیب قرار گیرد حتی در مسائل الهیه سوالات باید شفاهاً بعمل آید و اجوبه نیز بهمان قرار شفاهی داده شود. اطفال باید بدستوار بایکدیگر به بحث و مذاکره پردازند. « ترجمه

« اطفال را از صغرتن نوعی تربیت نمایند که بنهایت بحیوان رؤف و مهربان باشند اگر حیوانی مریض است در علاج او کوشند اگر گرسنه است اطعام نمایند اگر تشنه است سیراب کنند اگر خسته است در راحتش بکوشند. انسان کثیر گناه کارند و حیوان بیگناه. البته بیگناهان را رحمت بیشتر باید کرد و مهربانی بیشتر باید نمود مگر حیوانات موزیه را مثل گرگ خونخوار مثل مارگزنده و سایر حیوانات موزیه چه که رحم باینها ظلم بانسان و حیوانات دیگر است. «

« موسیقی مهتری است مؤثر و الهی غذای روح و جان است . در اثر قدرت
 و جاذبه آن روح انسانی اعتلا حاصل نماید . موسیقی را کیفیت شگفت انگیزی
 است که قلوب اطفال را شدیداً متأثر سازد زیرا دلهای آنان پاک و طیب است
 و امکان را تا شایع عظیمی در آنهاست قریحه و استعدادات طبیعی که در نهاد
 اطفال مودوع است بسبب موسیقی بعرضه ظهور و بروز آید بنا بر این ظنیفه
 شما آنست که کمال سعی و مهت را در تکمیل و تجمیر آنان مرعی دارید با آنها تعلیم
 که بنحوا جلی و مؤثر بسرودن امکان مألوف شوند تکلیف هر طفل آنست که حقیقتاً
 در باب موسیقی بدانند زیرا بدون اطلاع آن از نعمات طبع و اصوات و ادوات
 پراهنک بهره کافی برخوردار گردند همچنین لازم است در مدارس نیز این فن تعلیم
 گردد تا قلوب و ارواح حیات جدید یابند و نفوس از کیفیت حاصله سرور
 و ابتهاج موفور برگیرند .

امروز اطفال نورانی و روحانی در این مجمع گرد آمده اند . اینها اطفال ملکوتند
 ملکوت آسمان متعلق باینگونه نفوس است زیرا آنان مقرب درگاه الهی هستند
 قلوب ظاهر دارند و صاحب وجوه روحانی اند اثر تعالیم الهی در طهارت کامل

قلوبشان واضح و لایح است این است دلیل آنکه حضرت مسیح خطاب به عالم
انسانی میفرماید: «تا چون طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید
یعنی مردمان باید صاحب قلوب طیب و طاهر گردند تا بمعرفت الهی فائز شوند
تعالیم را اثر بزرگی در مردمان است. نفوس روحانی، قلوب نورانی، قلوب
اطفال در نهایت طهارت و پاکیزگی است آنان مرایانی هستند که هیچگونه کرد و
عبار بر آن نرفته است. اما این طهارت در نتیجه ضعف و آرامش است نه
بعلت قدرت و آزمایش زیرا چون این ایام دوران صباوت آنان است قلوب
و افکارشان به ناپاکیهای عالم طبیعت آلوده نشده است آنها نمیتوانند هیچگونه
هوش و نبوغ فوق العاده ارائه دهند نه صفت ظاهری سازی دارند و نه کیفیت
عوام فریبی این امر از نقطه نظر ضعف و عجز طفل است در صورتیکه شخص بالغ در نتیجه
قدرت و توانائی تطهیر میشود در اثر هوش و استعداد شخص ساده و بی آلاشی میشود
و بقوت عظیم استدلال و فهم نه از جهت ضعف و عجز شخص مخلصی بار خواهد آمد انسان
چون بجالت کمال و اصل گردد و اجزای صفات و کمالات خواهد شد قلبش پاک
میشود روحش نورانی میگردد و ضمیرش بعباسیت و شفقت تزیین می یابد جمیع در آن

قدرت عظیم اوست این است تفاوت بین مرد کامل و طفل صغیر برود و دارای
صفات اصلیه بساطت و صداقتند طفل در اثر ضعف و عجز و شخص بالغ در نتیجه
حصول قدرت و قوت ...

من رأی و اندرز خود را بیان می کنم و آن این است که این اطفال را بموعظ
الهیّه تربیت نمایند و از آغاز صباوت در قلوب آنها محبت رحمانی القا کنید
تا در حیات خویش خشیته الله را ظاهر و متجلی سازند و اعتماد و اتکا به بنایات
ربانیّه را تحصیل نمایند با آنان بیاموزند که خود را از تقاضای عالم طبیعت مبری سازند
و کمالات ربانیّه را که مودوع در قلوب است بدست آرند حیات انسانی
همگامی شمر شمر است که بفصائل انسانیّه تزئین یابد اگر چنانچه مرکز نواقص عالم وجود
گردد موش ارج از حیات و فنا افضل از وجود است بنابراین سعی و مجاهدت
نمایند تا این اطفال بنحو کمال تربیت پذیرند و تعلیم گیرند و هر یک از آنها بفضل
و شئون عالم انسانی توفیق یابند قدر و ارزش این اطفال را بدانید چه که کل فرزندان
من شمرده میشوند . « (ترجمه)

« اگر به تمیزی گفته شود که میزان پوشش و استعدادش از سایر تلامذ کبر است
البته این امر علت نمودت گردد و مانع بزرگ در راه ترقی و پیشرفت وی ایجاب
خواهد نمود اما بجای این تذکر احسن و اولی آنکه مورد تشویق قرار گیرد و در طری
طریق کمک و مساعدت شود. » ترجمه :

« بموجب تعالیم حضرت بهاء الله خانواده که یک واحد انسانی محسوب است
باید طبق اصل تقدیس و احترام تعلیم و تربیت یابد و جمیع فضائل و کمالات بوی تقاضا
گردد و تمامیت و جامعیت روابط عائله بایستی پیوسته مورد توجه دقیق قرار گیرد
و حقوق و شئون اعضا کل محترم و محفوظ باقی ماند . حقوق فرزندان ، حقوق پدر
و مادر بچیک از آنها نباید پامال شود و معرض تحقیر و تجاوز واقع گردد و در عین حال
بچیک نباید جنبه انفرادی و مطلق خستیار نماید همانطور که فرزند نسبت به پدر خویش
دارای پاره ای تعهدات است پدر نیز بهمان قرار صاحب وظایفی است که باید
در حق فرزند بجزئی دارد . مادر ، خواهر و دیگر اعضا ، عائله نیز هر یک دارای
حدود و مقامات مخصوصه اند جمیع این حدود و مشخصات بایستی مورد احترام واقع گردد

و در عین حال وحدت و یگانگی خانواده محفوظ و لکن تغییر باقیماند ناراحتی بر یک یا
ناراحتی عموم تصور شود و راحت و آسایش هر عضو راحت و آسایش اعضا دیگر و
بالاخره اعتقاد و افتخار هر فرد اعتقاد و افتخار سایر افراد تلقی گردد.»
(ترجمه)

«حضرت بهاء الله وحدت تربیت را اعلان نموده که بحیث اشخاص و عالم انسانی
لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجالاً و نساءً و دختر و پسر تربیت واحد
گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد ارتباط تام بین بشر حاصل شود
و چون نوع بشر یک نوع تعلیم یابد وحدت رجال و نساء اعلان گردد بین جنس
و جدال برافتد و بدون تحقق این مسائل ممکن نیست زیرا اختلاف تربیت مورث
جنس و نزاع. مساوات حقوق بین ذکور و اناث مانع حرب و قتال است زیرا
نسوان راضی بجنس و جدال نشوند. این جوانان در نزد مادران خیلی عزیزند هرگز
راضی نمیشوند که آنها در میدان قتال رفته و خون خود را بریزند جوانی را که بیست سال
مادر در نهایت زحمت و مشقت تربیت نموده آیا راضی خواهد شد که در میدان حرب
پاره پاره گردد هیچ مادری راضی نمیشود و لوله را و حامی بعنوان محبت وطن دوخته

سیاسی، وحدت جنس، وحدت نژاد و وحدت مملکت اظهار دارند و بگویند
که این جوانان باید بروند و برای این اولا مات کشته شوند لهذا وقتی که اعلان مساوات
بین زن و مرد شد یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد.

« اطفال در عالم طفولیت نمی دانند ولی مستحق نگویش نیستند باید این اطفال را
تربیت کرد تا بر تبه بلوغ برسند.»

« حضرت بهاء الله اعلام فرموده اند که چون جهل و نادانی و فتنه ان تربیت و
دانایی علت انفعال و جدائی بین انسان و انسانی است لذا باید کل کسب علم و
تربیت موفق گردند تا با حصول این منظور عدم تفاهم بین افراد بشر زایل شود و وحدت
نوع انسان چهره گشاید تربیت عمومی شریعت و قانون عمومی است.»
(ترجمه)

« تعلیم و تربیت هر طفل امری الزامی و اجباری است... علاوه بر تعلیم وسیع
و دایم و دارم هر طفل باید مشغول و پیشه ای و یا حرفه و صنعتی بیاموزد تا هر فرد جامعه

بر رفع حوائج و تأمین معاش خود قادر گردد . هر کار که با روح خدمت انجام پذیر
بمان نفس عبادت محسوب است و جعلنا اشتغالکم به انفس العباده لله الحق .

(ترجمه)